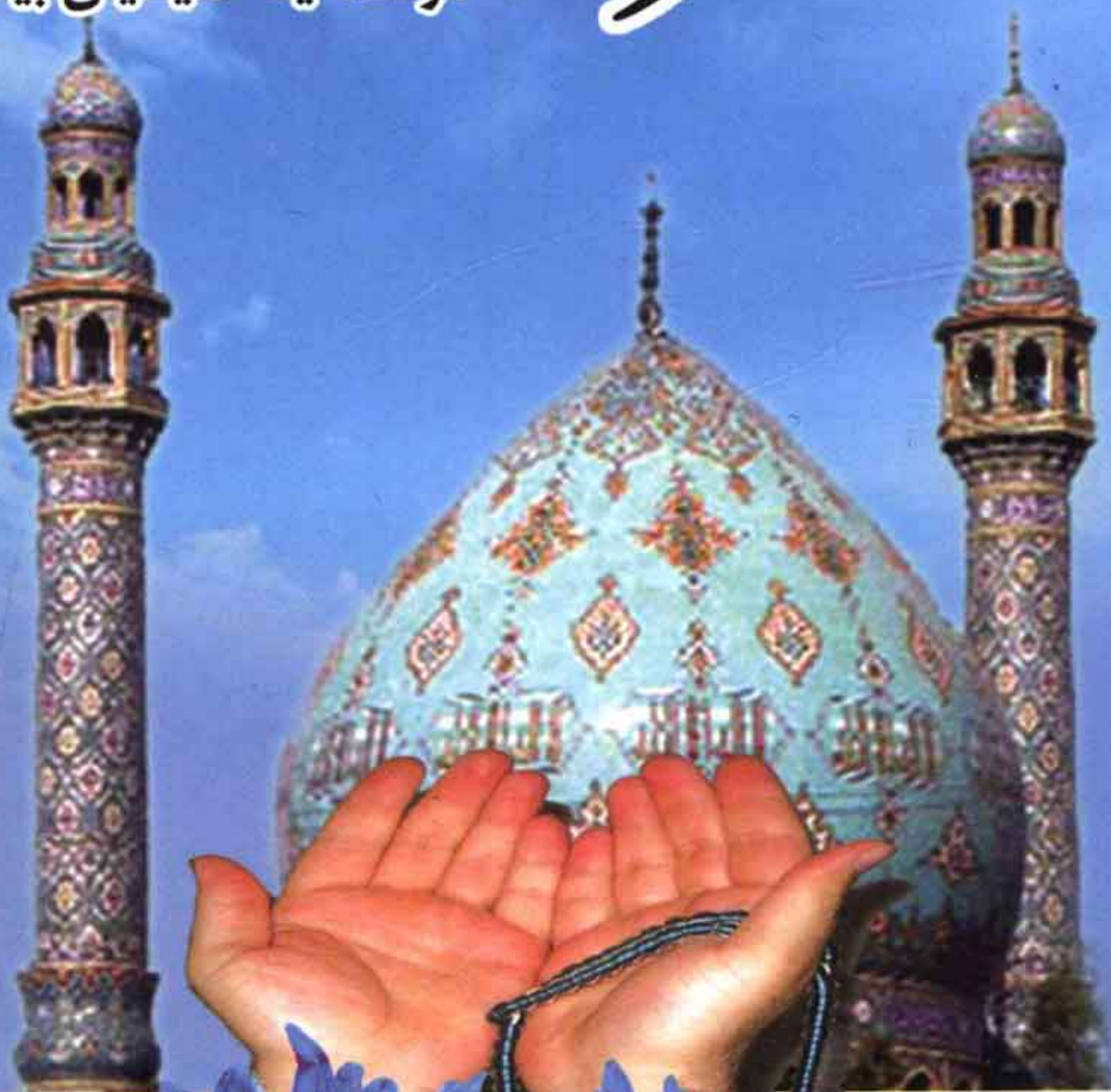


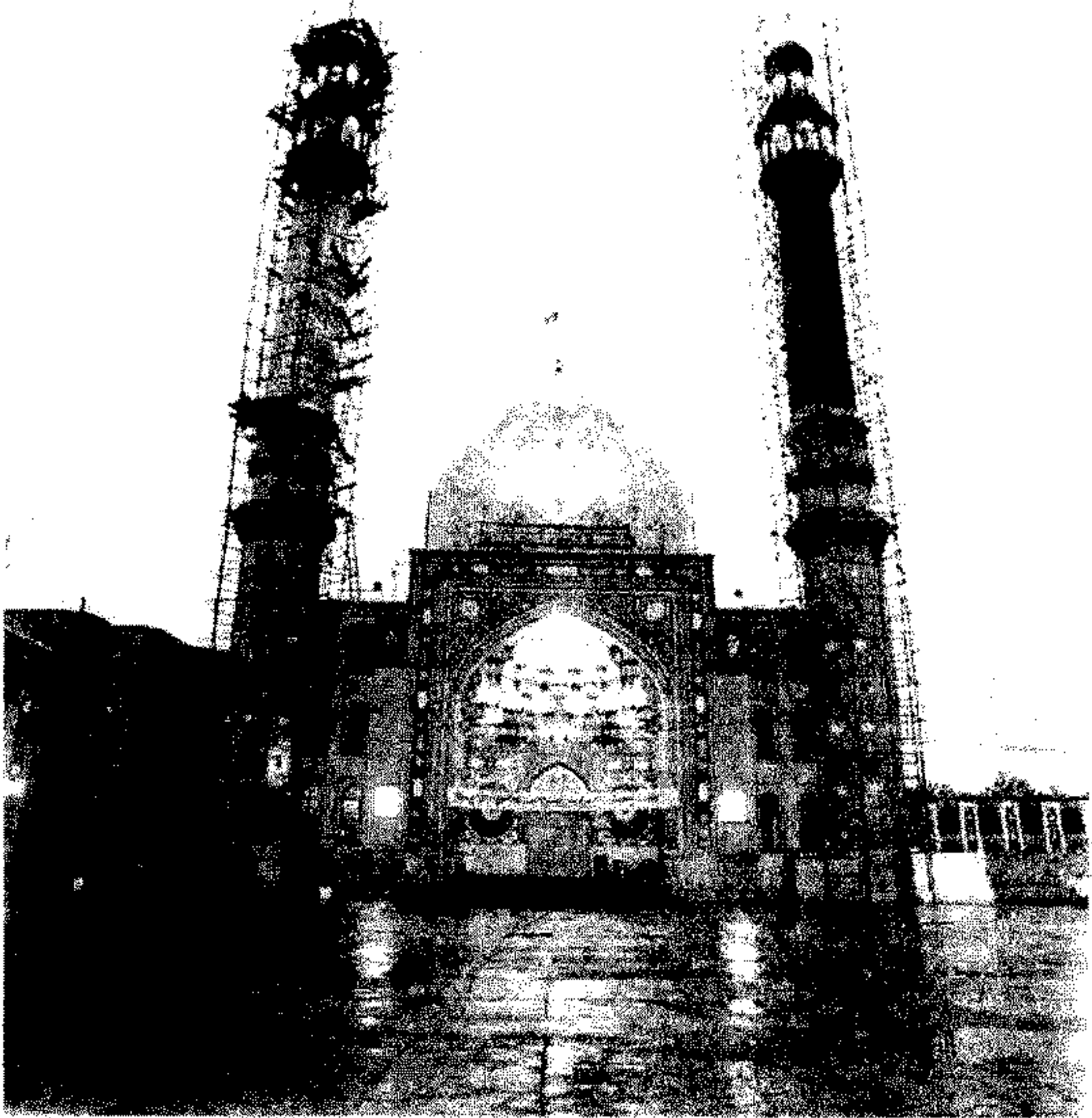


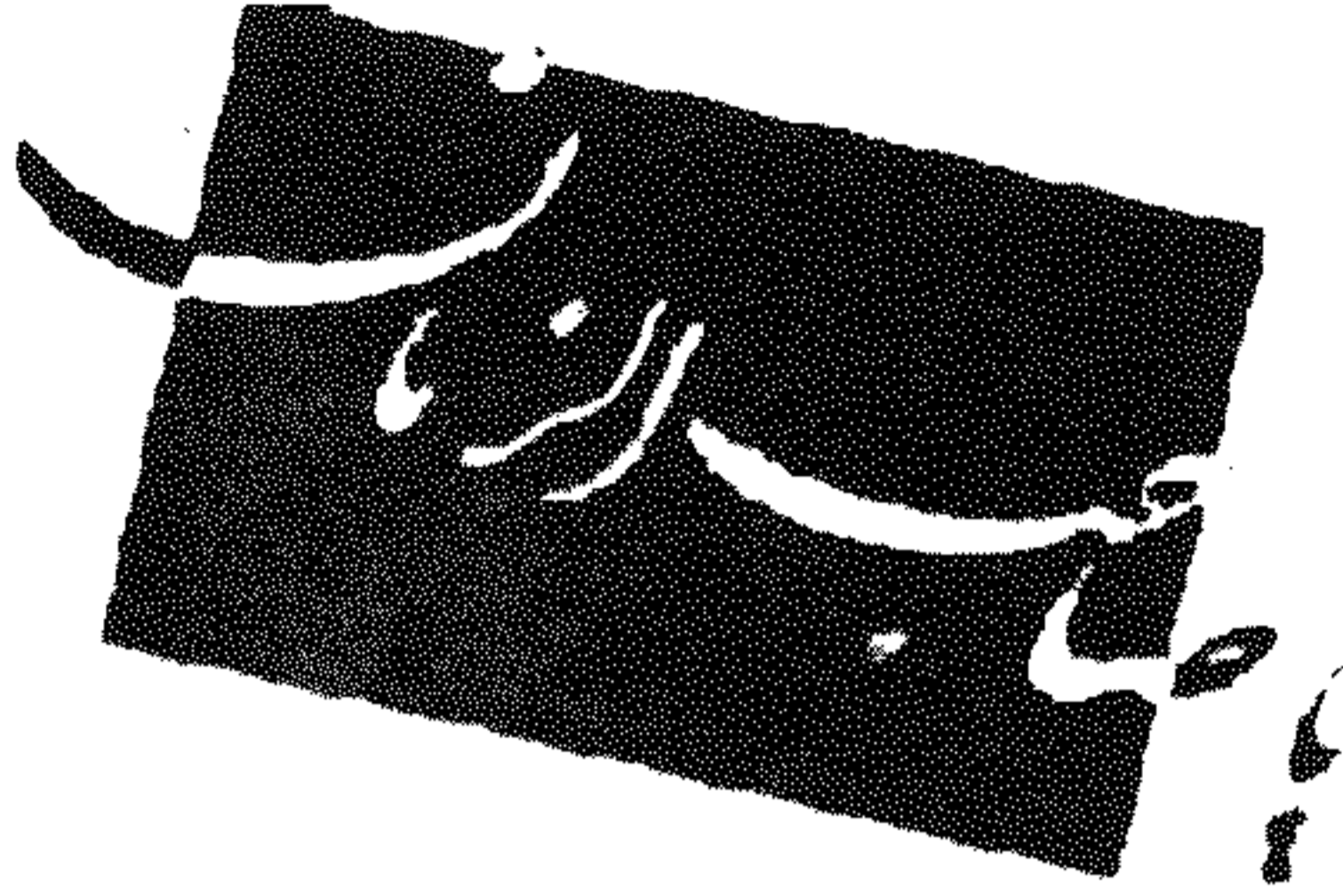
مستطراک طلوع

مولف: لیلا حفیظیان بیدگلی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





منتظران طلوع

مولف : لیلا حفیظیان بیدگلی

ناشر : انتشارات رواق دانش

تیراژ : ۱۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ : اول ۱۳۸۸

قیمت : ۱۵۰۰۰ ریال

شابک :

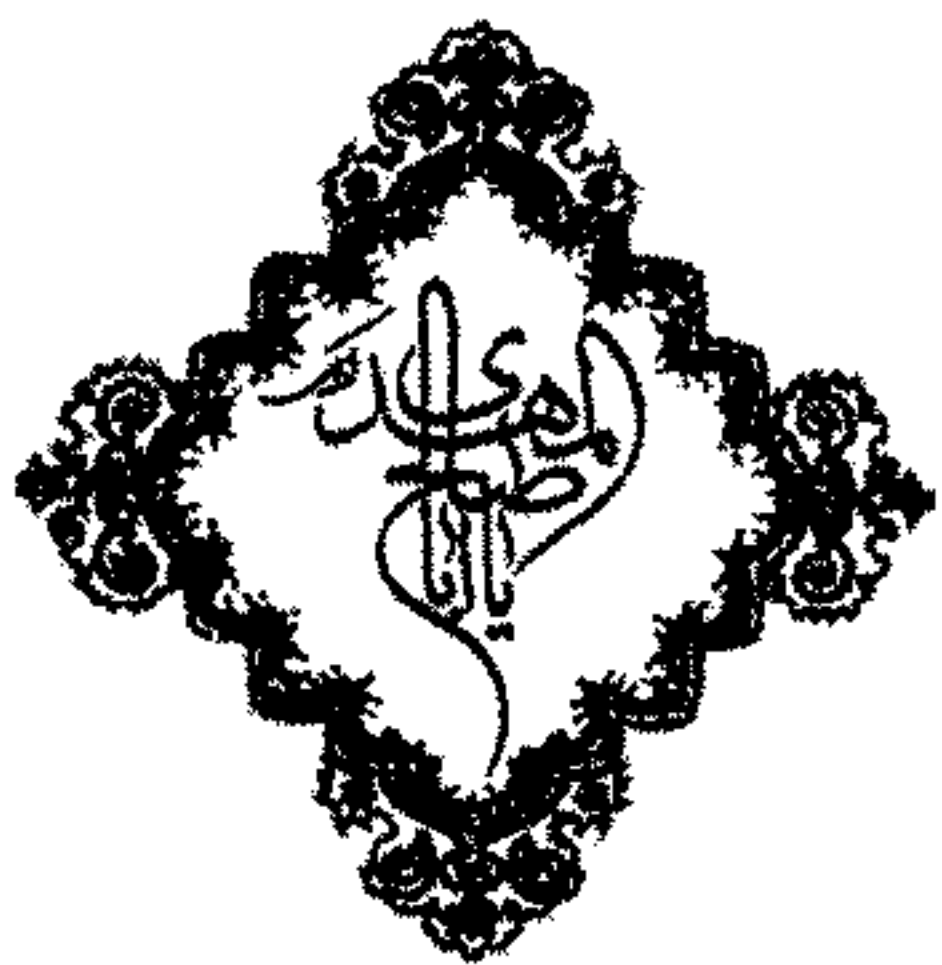
مرکز پخش :

قم / خیابان صفائیه کوچه ۲۸ (بیگدلی) انتشارات وثوق

تلفن : ۰۲۵۱-۷۷۳۵۷۰۰ همراه : ۰۹۱۲۲۵۲۲۳۷۷

قم / خیابان ارم پاساژ قدس طبقه پنجم انتشارات رواق دانش

تلفن : ۰۲۵۱-۷۷۳۲۱۲۰ همراه : ۰۹۱۲۷۵۲۱۵۰۵



منتظران طلوع

فهرست مطالب

۹	دعای آل یاسین
۹	فرازی از دعای حضرت صاحب الامر
۱۱	میلاذ مهدی (عج)
۲۸	جمعه موعود
۳۲	جمکران
۴۲	انتظار
۴۶	نشانه‌های ظهور
۶۵	عشق و امید به ظهور مهدی (عج)
۶۹	عدالت
۷۶	انتظار
۸۰	اشتیاق مهدی
۸۵	رجعت
۹۰	دعای فرج

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِيَّ آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ
 وَدِيَانَ دِينِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ
 وَتَرْجُمَانَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي أَنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي
 أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ
 وَعَدَا غَيْرَ مَكْذُوبِ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ
 تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي
 وَتَقْنُتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ
 تَهَلَّلُ وَتُكَبِّرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ
 إِذَا تَجَلَّى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
 الْمَقْدَّمُ الْمَأْمُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ أُشْهِدُكَ يَا مَوْلَايَ

منتظران طلوع

أَنى أَشْهَدُ أَن لا إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَ رَسولُهُ لا حَبِيبَ إِلاَّ هُوَ وَ أَهْلُهُ وَ أَشْهَدُكَ يا مَولايَ أَنَّ
عَلِيًّا أميرَ الْمُؤْمِنينَ حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ حُجَّتُهُ وَ الْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ وَ
عَلِيَّ بنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَ مُحَمَّدَ بنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ جَعْفَرَ بنَ
مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَ موسى بنَ جَعْفَرَ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بنَ موسى حُجَّتُهُ وَ
مُحَمَّدَ بنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللهِ أَنْتُمُ الاوَّلُ وَ الاخيرُ
وَ أَنَّ رَجَعَتَكُمْ حَقٌّ لا ريبَ فيها يَوْمَ لا يَنْفَعُ نَفْسًا ايمانُها لَمْ تَكُنْ
آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ او كَسَبَتْ فى ايمانِها خيراً وَ أَنَّ المَوْتَ حَقٌّ وَ أَنَّ
ناكِراً وَ نَكيراً حَقٌّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ النِّشْرَ حَقٌّ وَ البَعْثَ حَقٌّ وَ أَنَّ
الصِّراطَ حَقٌّ وَ المِرْصادَ حَقٌّ وَ المِيزانَ حَقٌّ وَ الحِشْرَ حَقٌّ وَ
الحِسابَ حَقٌّ وَ الْجَنَّةَ وَ النارَ حَقٌّ وَ الوَعْدَ وَ الوَعِيدَ بِهما حَقٌّ يا
مَولايَ شَقِيٌّ مَنْ خالَفَكَ وَ سَعِدَ مَنْ اطاعَكَ فاشْهَدْ عَلَيَّ ما
أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ وَ انا ولىُّ لَكَ بَرىءٌ مِنْ عَدُوِّكَ فَالْحَقُّ ما
رَضِيتُموه وَ الباطِلُ ما اَسْخَطُتُموه وَ المَعروفُ ما اَمَرْتُم بِهِ وَ
المُنْكَرُ ما نَهَيْتُم عَنْهُ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللهِ وَ حِدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ
بِرَسولِهِ وَ بِأَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَ بِكُمْ يا مَولايَ اوَّلِكُمْ وَ آخِرِكُمْ وَ
نُصرتى مَعَدَّةٌ لَكُمْ وَ مودَّتى خالِصَةٌ لَكُمْ آمينَ آمينَ

به نام خدا

تقدیم به آقا و سرورمان حجة الابن الحسن العسکری که نامش بر
آسمان دلم حک شده و یادش تمام وجود و زندگی را مملو از عشق
ایزدی و مهر ولایتی کرده است. تقدیم به ولایت فقیه حضرت آیت الله
العظمی خامنه‌ای مدظله العالی که پرتو نور راهبرش ما را از ظلمت و
تاریکی می‌رهاند و به کشور و هستیمان رنگ معنویت بخشیده است.
تقدیم به پدر و مادرم که قلب مهربان و دستان سخاوتمندشان ما
را به عشق و انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
همیشه سوق داده است.

تقدیم به معلمینم که الفبای زندگی و درس اخلاق و سیرت
پیامبر(ص) به ما آموختند.

تقدیم به همسرم که مرا در این راه یاری نمود و رهنمون ساخت.
تقدیم به تمام چشم‌هایی که منتظر بر جاده‌های آسمانی دوخته می‌شود.
تقدیم به تمام قلب‌هایی که برای ظهور حضرت مهدی(عج) پرتپش است.
تقدیم به تمام اشک‌هایی که در فراق حضرت مهدی(عج) از دیده فرو می‌ریزد

تقدیم به تمام انسانهایی که سرشار از احساس وابستگی به حضرت مهدی (عج) هستند و روحشان در تبلور عشق او سیر تکامل می پذیرد.

تقدیم به تمام آنان که در انتظار فرج دلی چون شقایق داغدار دارند و رخی چون نرگس، و دلی چون یاس سپید و از زبانشان عطر کلام محمدی (ص) می بارد.

تقدیم به تمام آنانکه به دنبال پناهگاهی می گردند تا بار غمهایشان را بر زمین بگذارند و هم نفسی که از سر صدق و صفا کوله بار تنهایشان را باز ستاند و صحبت دلشان را بشنود.

تقدیم به تمام آنها که نمی دانند باید حرف دلشان را به چه کسی بگویند عشقشان را به چه کسی بسپارند و جام وجودشان را با شراب محبت چه کسی پر کنند.

فرازی از دعای حضرت صاحب الامر

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ وَأَنْ تَمَلِّئَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْبَيَانِ وَفِكْرِي نُورَ النَّيِّاتِ وَعِزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَ

منظران طلوع

سَمِعَى نُورَ الْحِكْمَةِ وَ مَوَدَّتِي نُورَ الْمَبَالِغِ
لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

پروردگارا درود فرست بر محمد(ص) پیغمبر رحمت و کلمه تام نو
وجودت و قلب مرا مملو از نور یقین فرما و سینهام را به نور ایمان روشن
ساز و فکر و اندیشهام را به نور نیت خیر و عزم و اردهام را به نور علم
منور گردان و قوت (جسم و جان) مرا به نور عمل و زبانم را به نور
صدق و راستی، و دینم را به نور بصیرتها از جانب خود عطا کن و به
چشمم نور دیدن، به گوشم نور حکمت و به قلبم که حمل محبت است
نور محبت و ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام را عطا کن.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِيَّ آيَاتِهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ

سلام بر دعوت کننده مخلوق خدا به سوی درگاه علیا، سلام بر مظهر
آیات الهی و مرآت صفات ربّانی، سلام بر تو که پرچم موهبت حق را
برافراشته خواهی نمود، سلام بر تو ای غائب از دیده‌ها، ای همیشه سبز،
سلام بر تو که لحظه لحظه طلوع غیبت را شماره می‌کنیم.

همچون واژه‌ای غریب در تنگنای سکوت مبهوت مانده‌ام و دلم
همانند برگ پائیزی شکننده و رُخم بی‌رنگ می‌شود.

قلم به روی برگ چون قلب یک عاشق دلباخته پر تپش است و
جوهر چون چهره عشاق سرگردان رنگ می‌بازد.

منظران طلوع

نمی‌دانم در سر لوحهٔ این کتاب چه بنویسم که هم لیاقت نظارهٔ عنایت
شما را داشته باشد و از طرفی ناتوانائی نگاشتن کلماتی در برابر این
عظمت پایدار.

که حافظ می‌فرماید:

من که باشم که بر آن خاطر عاطر گذرم

لطفه می‌کنی ای خاک درت تاج سرم

همم بدرقهٔ راه کن ای طایر قدس

که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

ای نسیم سحری بندگی من برسان

که فراموش مکن وقت دعای سحرم

میلاذ مهدی (عج)

مهدیا؛ می‌نگارم با گام پرهیاهوی قلبم نه با قلم ناخردم، می‌نویسم
با دستهای پر از نیاز، و لبان پر از نیایشم، نه با اندوخته‌ای که بر دوش
دارم که آن را توانای تحمل در این راه پر از مهر نیست.

می‌نویسم با این پاهای ناتوان که لغزش در صراط مستقیم دارد
توانش را بریده و قوتش را ربوده است. اما هنوز نایی در وجودم هست و
نوایی که تو را می‌خواند و مرا از قعر معصیت به اوج عشق و ابدیت می
کشاند. پس مرا بپذیر که خویشتن سراپا غرق دریای بی‌کران رحمت
هستم. و مرا نه، کلام حقیرانه‌ام را که برگرفته از قطره قطره اشک به
انتظارت و محبت به تو است بپذیر. گرچه شما ناظر بر تمام اعمال ما
هستید. به دنبال راه گشایی هستیم روزنه‌ای که در پشت این پنجرهٔ انتظار

منظران طلوع

مرا نور سپیدی باشد و من با هدایت این نور سپید به سوی درگاهت به پرواز درآیم، نمی دانم از کجا شروع کنم و از چه بگویم که بی گمان کبوتر سفید بال ذهنم در آسمان سامراً به پرواز درمی آید و بر بام خانه نرجس (علیها السلام) می نشیند و مرا از این همه سرگردانی نجات می دهد و دلم به یادآوری نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری آرام می گیرد و آتش در کلامم زبانه می کشد، کلامی که نه در خور شأن و مقام شماست بلکه قد و قواره ذهن مجنون و دل عاشقم است، که بر زبانم جاری می شود. که مدح شما در سخن کامل نمی شود مگر آنکه وحی بر قلبم نازل گردد و عنایت شما شامل عالم گردد.

شب تولدت که آن پیشوای دوازدهم طالع گردید، آسمان شعور محض پیدا می کند، ستاره از چشم آسمان فرو می ریزد و خورشید از پرتو روی تو خجل می شود و نهان، و ماه به عشق آنکه صورت نورانیت را به آن تشبیه کنند به خود می بالد و بیش از هر شب دیگر در ظرف خانه ها نور می پاشد که شما چون حضرت یوسف علیه السلام زیباترین زمان خود هستید. مهتاب تمام خانه ها را چون چادری سپید دربر گرفته است. شهاب آسمانی برای قدم پربرکت مدام در رفت و آمد است و جلوه ای خاص می بخشد، شب تولدت، شب تولد دوباره عشق است در مدینه معشوق، شب تولد قمری است که روشنایی چهره اش بر ماه پیشی گرفته است. شب دیده کم سوی خود را باز کرده تا کاروان روز را بهتر ببیند آن شب تمام کوچه های شهر سامراً در زیر گام قدسیان تن می دهد، آن شب از هر ذره خاک سامراً عطر بهشت و بوی امامت استشمام می شود و ملائکه سر بر خاک می نهند و سجده شکر از برای مولودی به جا می آورند که دیدارش آرزوی هر

منتظران طلوع

مسلمانی است، زمین غرق نور، و منتظر است تا موقع طلوع فجر روز جمعه که زمان تولد سدرۃ المنتهی، عروۃ الوثقی، حضرت مهدی صاحب الزمان (عج) می باشد فرا رسد. آنگاه امام حسن عسگری خطاب به عمه اش که پرستار حضرت نرجس (علیها السلام) می باشد می فرماید: سورة (انا انزلنا) بر حضرت نرجس علیها السلام بخوان و او به فرمان امام شروع به خواندن سوره مبارکه قدر می کند و در آن حال صدای فرزند حضرت نرجس علیهما السلام را می شنود که در شکم مادر همراه با مادر آن سوره را می خواند و سپس به او سلام می کند، که او دچار وحشت می شود در همین بین امام حسن عسگری می فرماید: عمه از کار خدا تعجب مکن زیرا باری تعالی ما را از کوچکی به حکمت گویا در روی زمین حجت خود قرار داده است. تا آنگاه که بعد از دقایقی زمان تولد مبارک حضرت مهدی (عج) فرا می رسد. حضرت نرجس (علیها السلام) لحظه ای غیبت می کند و بعد در هاله ای از نور مادر با فرزند مشاهده می شوند. حضرت نرجس (علیها السلام) لبریز از شوق مولودی که عطای خدایی است.

حضرت نرجس (علیها السلام) هنگام تولد مولود، نور درخشنده ای مشاهده کرد که از آن حضرت آشکار شد، و تا افق آسمان پر کشید و آنگاه پرنده گان سفیدی را دید که از آسمان فرود می آیند و بالهای خود را بر سر و صورت و بدن آن بزرگوار می کشند و سپس پرواز می کنند، وقتی حضرت نرجس (علیها السلام) از حضرت امام حسن عسگری (ع) در مورد مشاهده خود سؤال کردند حضرت ابتدا تبسمی کرد سپس فرمودند «اینها فرشتگانی هستند، فرود آمدند تا به این مولود تبرک جویند، و اینها یاران او خواهند بود هنگامی که خروج می کند.»

منظران طلوع

بعد حضرت صاحب الامر (عج) رو به قبله به سجده می افتد و خدا را به عظمت و شکوهش یاد کرده و روی زانو نشسته و انگشت سبابه را به آسمان بلند کرده و می فرماید: اشهدُ ان لا اله الا الله و اشهدُ ان جدی رسول الله ان ابی امیر المؤمنین ولیّ الله و وصیّ رسوله.

و بعد امامان را یکی پس از دیگری برمی شمارند و تا به پدرش می رسد سلام می کند و در حالی که انگشت مبارک به سوی آسمان داشتند عطسه ای کرده و می فرماید: الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله و بار دیگر می فرماید: اللهم أنجز لی و عدی و أتمم لی امری و ثبت و طاتی و املاء الارض بی عدلاً و قسطاً.

«خداوندا وعده ام را تحقق بخش و امر قیامم را تمام گردان و گامم را استوار ساز، و زمین را به ظهور من پر از عدل و داد کن.»^۱

ای گرمترین آغوش برای بی پناهان، آتش عشقت چنان سوزی در من به وجود آورده که هر چه اشک می ریزم ذره ای از آن کم نمی گردد و تنها چیزی که این آتش را فرو می نشان نیم نگاه عنایت شماست صدای سهمگینم که از کوره راه های بی عدالتی و سکوت محض گناه برمی خیزد پذیر که زیباترین و رساترین ندا در ظهور شما صورت می پذیرد.

جاء الحقّ و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً^۲

حق آمد و باطل نابود شد به درستی که باطل نابود شدنی است و ثبات و بقاء ندارد.

این آیه ای است که با نور بر بازوی چپ نوشته شده است.

۱ _ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۳ ح ۱۴.

۲ _ سوره اسراء آیه ۸۱

منظران طلوع

راستی ای معلم عشق، چه زمانی این همه مُبَهَمات روشن می‌شود،
و چه زمانی دردها درمان و دعاها مستجاب خواهد شد. و چه وقت
لحظه آن همه انتظار به پایان و شبستان ما منور خواهد شد.

ز در درآ و شبستان ما منور کن

هوای مجلس روحانیان معطر کن

ستاره شب هجران نمی‌فشاند نور

به بام قصر برآ و چراغ مه بر کن

حجاب دیده ادراک شد شعاع جمال

بیا و خرگه خورشید را منور کن^۱

چه موقع آن روز مبارک فرا خواهد رسید آن روز روز رحمت برای
تمامی شیعیان و برای تمام آنانکه در هر گوشه‌ای از این دیار در انتظار
فرجت هستند خواهد بود. و آن روز که ندای ملکوتی فرشته مقرب
حضرت جبرئیل را لبیک گویند که می‌فرماید:

أَتَى أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ

۱۵ «امر خداوند فرا رسید، دیگر شتاب نکنید این است مهدی خلیفه

خداوند، از او اطاعت کنید.» زیرنویس دارد.

یوسف زهرا علیها السلام، کوله‌باری سنگین و سخت از گناه بر
دوش دارم آنقدر سخت که چون کوه بر وجودم سنگینی می‌کند و
آنقدر سنگین که توان راه رفتن را از من گرفته است و تنها قطره باران
بخشش خداوندی است که از سختی آن می‌کاهد و تنها توانی که
برایم مانده، امید به ظهور توست که با تو شاید، کوه گناهانم از خجالت

منظران طلوع

روی تو تب کند و در من آتشفشانی شعله‌ور گشته و فرو ریزد، این کوه معصیت را، و من مثل سبک بال به سوی تو بشتابم.

مهدیا (عج)! بپذیر این صدای محزون بی‌پناه را، که از شنیدن صدای گریه بی‌پناهی در گل می‌نشیند و دیگر بر نمی‌خیزد خیره خیره نگاه می‌کند و اشک از کنج دیده‌ها سرازیر می‌شود.

که دادرس فریاد خواهان کی خواهد آمد؟ فریاد رسی که در روز ظهور ندا خواهد داد بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین «بقیة الله برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید.»

مهدیا (عج)! بپذیر صدای محزون بی‌پناه را که با امید وصال تو مظلومانه از حادثه‌ها می‌گذرد و نسیم وصال تو دیده‌هایم را نوازش می‌دهد که فریاد مزین، فریاد دادرس فریاد خواهان خواهد آمد. و مژده به همه می‌دهد و بی‌عدالتی رفتار و کردار، و شکستن قلبها را، اشک دیده‌ها در چشمان خسته می‌شوید و پاک می‌شود از ذهن و در قلب بایگانی می‌شود که دل بیشتر توانای جذب آن را دارد و ذهن از بار این معصیتها مجنون می‌گردد. به امید وصالش که هر هجری با او به وصل مبدل گشته و هر ستم حاکم بر جهان از میان برداشته و عدالت در این کره خاکی به وسیله او احیا می‌گردد.

دریغ مدت عمرم که بر امید وصال

به سر رسید و نیامد به سر زمان فراق

سری که بر سر گردون به فجر می‌سودم

بر آستان که نهادم بر آستان فراق

چگونه باز کنم بال در هوای وصال

که ریخت مرغ دلم پر در آشیان فراق

کنون چه چاره که در بحر غم بگردابی

فتاده زورق صبرم ز بادبان فراق
شمشیر غم، دل خورشید خاطرم را می شکافد و دوباره آسمان خاطرم را
غروب و دلم را به یاد نامهربانی‌ها خون می کند و به یاد محبت‌های فراموش
شده و قلب‌های تنها و کبود، در کنار پنجره احساسم برای زخم دل تمام آنان
که از دوری او مهجورند می‌گیریم. برای تمام کسانی که از فقدان صداقت
می‌رنجند و بغض‌هایشان در گلو ثقیل گشته و فانوس آرزوهایشان خاموش
است، به راستی ای کوه ساکت و صبور چرا این همه نامهربانی؟

مگر دل دریایی داشتن سخت است؟ مگر پاک بودن فقط از
یاس‌هاست! مگر زندانی دل مجال رخصت ندارد؟ یا آنکه دلش به
وسعت آلاله‌ها سرخ است و شانه‌هایش از بی‌مهری زخمی است
محتاج محبت نیست؟ یوسف زهرا (عج) نمی‌دانم چرا بهار دوستی‌ها رو
به خزان است و باران غم بر کویر گونه‌ها بی‌اختیار می‌بارد! مگر
لحظه‌ای قدم به کوچه باغ احساس گذاشتن از ما چه کم می‌آورد و
شنیدن قصه‌های غصه چقدر زمان لازم دارد؟!

شاید اینها همه وسیله و حکمتی باشد که شما ظهور فرمائید و
زمینه ظهور شما فراهم گردد.

مهدیا (عج)! یوسف زهرا، خورشید تابناک آسمان ولایت، گل
خوشبوی محمدی (ص)، شاپرکان تشنه شهد صدای مهربان شما
هستند و عروس آرزو با لبخند و تپش قلب مهربان شما خوشبخت
می‌شود پس شکوفا فرما در آسمان ظهور غنچه انتظار را.

ای همیشه سبز، ای کوه مقاوم و صبور، آسمان پر جبروت حلم و
بردباری و ای دریای بی‌کران مهربانی و گذشت، ای زلال، ای پاک، ای

معطر چون گل محمدی و شیرین چون یاس سپید در زمان غیبت دو وظیفه داریم: یکی انتظار فرج حضرت مهدی (عج) و دیگری دعا برای فرج و ظهور آن حضرت که حضرت امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: منتظر امر ما مانند کسی است که در خون خود غلتیده باشد در راه خداوند.^۱

امام سجاد (ع) در این باره می فرماید:

مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ وَلَايَتَنَا فِي غَيْبَتِ قَائِمِنَا، أَعْطَاهُ

اللَّهُ اجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَأُحُدٍ.

کسی که در زمان غیبت قائم، بر ولایت ما ثابت و استوار بماند خداوند به او پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد عطا می کند.^۲

همچنین آن حضرت می فرماید:

انظروا الفرج و لا تيأسوا من روح الله فان

احب اعمال على الله عز و جل انتظار الفرج.

الاخذ به امرنا معنا غدا حظيرة القدس، و

المنتظر للفرج كالمتشحط بدمه في سبيل الله.

منتظر فرج باشید و از روح خدا مأیوس نشوید که محبوب ترین اعمال نزد خدای عز و جل انتظار فرج است کسی که پذیرای امر ما باشد فردا در حظیره القدس (بهشت) با ماست و کسی که منتظر فرج باشد مانند کسی است که در راه خدا به خون خود آغشته شود.^۳

۱ _ منتهی الامال ص ۱۱۲۴.

۲ _ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۵.

۳ _ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۳.

منظران طلوع

در وظیفه اول شکی نیست که در هر گوشه گوشه وطن و دیار و هستی و جهانمان فقدان وجود شما نمایان گر، هست و این فقدان چشم هر نادانی را کور و هر روشن دلی را بینا می کند. فقر و گرسنگی، بیماری و بی عدالتی، دل پر حسرت و اشک ندامت، و نگاه مظلومانه بی پناهان جهان، آنانکه نه پشتیبانی دارند، و نه پناهی برای زیستن، همه و همه بیداد از دادرس و فریادرسی می کند که ظهورش معنا به هستی و عالم می دهد. سینه ها مالا مال رنج و درد است و گنجینه محنت های هستی.

چشم ها به راه مانده که کی یار مظلومان خواهد آمد؟ بیا که محتضرین تبار به امید نوش داروی تو، تب و سوز و گداز را بر خود حلال می دانند. ای همیشه سبز بیا که هر تار و پودی از شال سبز تو، درمان درد بی دوايي است. بیا که در گوشه گوشه دیارمان قلبهائی برای انتظار تو پرتپش است.

چشم های که یعقوب وار کم سو شده از بس برای ظهور یوسف زهرا (علیهما السلام) در دعای ندبه گریست و به جاده های آسمانی انتظار خیره شد. دست های سردی که گرمای وجود تو را می طلبد، صورت غبار گرفته یتیمانی که با عنایت شما آن غبار زدوده می شود و سفره های بی نانی که با عنایت شما حقشان گرفته می شود. غم هایی که روی دل ها سنگینی می کند و شادی هایی که گم شده اند، گره هایی که گشوده نمی شود، دردهایی که لاعلاج باقی می ماند و تنها صبر، نسخه آن است. قلبهائی که می شکند و زندگی هایی که لیاقت زیبایی دارند اما به کینه و نفاق می گذرد. روابطی که صمیمانه نیست، اشک چشمانی که نه راه گریز دارد نه راه برگشت و همچنان در چشم حلقه

می زند. بغض هایی که نمی شکند و سهمگین راه گلو را می بندد دست هایی که بی یاورند، خانه هایی که سرد و بی نورند و در آخر انسان هایی که حق را به جا نمی آورند و عمل نمی کنند آنچه را که به درستی می گویند و تنها سود و زیان مادی آنها را شاد و غمگینشان می کند که امام محمد باقر(ع) در این مورد می فرماید: **يُقِلُّ الْوَرَعَ وَ يَكْثُرُ الطَّمَعُ وَ يَرَى الْمُؤْمِنُ صَامِتًا لَا يُقْبَلُ قَوْلَهُ، وَ الْكَاذِبُ يُكْذِبُ وَ لَا يُرَدُّ عَلَيْهِ كَذِبُهُ وَ الْفَاسِقُ يَمْتَدِحُ بِالْفِسْقِ لَا يُرَدُّ عَلَيْهِ قَوْلُهُ**

تقوا کم و حرص بسیار می شود، مؤمن سکوت می کند زیرا از او پذیرفته نمی شود. دروغگو، دروغ پردازی می کند و کسی به او اعتراض نکرده و سخنش را رد نمی کند. فاسق و فاجر با کارهای ناشایست و نامشروعش ستایش شده و کسی رد نمی کند.^۱

آیا اعتراض به گناه و گناهکار در جامعه فرهنگ سازی شده است یا نه؟ آیا همه ما مسئول فرهنگ سازی آن نیستیم؟

يَاتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هُمُّهُمْ بِطُونِهِمْ وَ شَرَفُهُمْ

مَتَاعِهِمْ وَ قَبْلَتَهُمْ نَسَائِهِمْ وَ دِينَهُمْ دِرَاهِمٌ وَ

دَنَانِيرُهُمْ. **أَوْلَاكَ شَرٌّ خَلْقٌ لَا خَلْقَ لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ.**

برای مردم روزگاری فرا می رسد که تنها هم و غمشان شکم آنان، تجملات زندگی شرف آنان، همسرانشان قبله آنان، درهم و دینارشان

دین و آیین آنان، بدترین خلائق هستند برای ایشان در نزد خدا ارج و مقامی نیست.^۱

یا صاحب العصر و الزمان (عج) بیا که در جای جای دیارمان و این کره خاکی تو را می خوانیم نه تنها برای خود که برای خویشانمان، نه فقط برای حاجات خود بلکه برای برآوردن حوائج تمام مسلمین جهان. بیا و با عنایتی ما را از منجلاب گناه بیرون آور و در صف ره یافتگان وصال حق قرار ده بیا و شما به جای ماه بدرخش در شب های ظلمانی و به جای خورشید در این سردی ایام، گرما ببخش.

امام زمان (ع) می فرماید: ان امرنا بغته فجاه و انی اخرج حین اخرج و لا بیعه لاحد من الطواغیت فی عنقی و بی یدفع الله عز و جل البلاء عن اهلی و شیعتی و انی لامان لاهل الارض، کما ان النجوم امان لاهل السماء، فانا یحیط علمنا بانباکم و لا یعزب اناشی من اخبارکم

همانا ظهور ما ناگهانی است و من به پا خواهم خواست در حالیکه پیمان هیچ یک از گردن کشان بر گردنم نیست و خداوند به سبب من از خاندان و شیعیان بلا را دور می گرداند و همانا من برای مردم جهان امان از عذابم، آن سان که ستارگان موجب امان آسمانیان است به راستی که علم ما بر اوضاع شما احاطه دارد و هیچ چیز از احوال شما بر ما پوشیده نیست.^۲

۱ _ بحار الانوار ج ۷۴ ص ۱۶۶ ح ۳۱

۲ _ تاریخ الغیبه الکبری ص ۴۲۸ _ بحار الانوار ج ۵۳ چاپ جدید

منظران طلوع

یا صاحب العصر و الزمان (عج) ابرهای تیره و تار کینه و نفاق، یأس و بدبینی و ناامیدی سراسر آسمان روحمان را فرا گرفته است و خورشید ایمان رو به غروب و روز منور اخلاص به شب ظلمانی مبدل شده است. شیاطین بیش از پیش خرسند و فرشتگان اعمال نیک کمتر دست پُر به آسمان برمی گردند. از سحر تا به شام دنبال منافع مادی خویش هستیم و اجاق غیبت گرم و به نامردی با یکدیگر دست می دهیم. چیزی جز طعنه بر زبانها جاری نیست به خرابه های معصیت گام برمی داریم و چشمهایمان را به آنچه ابلیس می پسندد می گشائیم و خویش را در محضر حق نمی بینیم، زنگار بهشتی از آئینه دلها مان زدوده شده و دلها که جایگاه اصل ایمان و عشق ایزدی است جایگاه شیاطین شده است و به راستی نمی دانیم سرمایه عشق را در کدام راه هزینه نمائیم؟!

یوسف زهرا (ع)! هر روز پیکر یکی از انسانها به روی دستهایمان تشییع می شود و گردباد مرگ همراه با او آرزوهایش را در خود می پیچد و به دار باقی می برد اما به عمق حقیقت معاد تفکر نمی کنیم! هر صبح درخشش خورشید را پس از شب ظلمانی مشاهده می کنیم و رویش دوباره گلها را بعد از زمستانی خواب آلود می نگریم اما در عمق باورمان حقیقت معاد جای نمی گیرد و شعله ور شدن آتش هستی از خاکستر نیستی در مخیله مان نمی گنجد.

اکنون ای یار مظلومان و پناه بی پناهان به یاد آن روز که چون پروانه ها مبهوت و متفرق خواهیم شد بر ظهورت تعجیل فرما که ما را با ظهور شما تکلیف روشن می کند و با ظهور شما گامهایمان را به سوی عشق و معرفت حق استوارتر برمی داریم و یاد قیامت را در دلها

منظران طلوع

زنده بفرما و از انجام معصیت ما را دور فرما. آتش بیدادگریها را در جامعه خاموش بفرما و تبعیضها را که همچون موریانه از درون، جامعه را می‌پوساند جامعه ما را نجات بفرما.

مرویست که از پیغمبر اکرم(ص) پرسیدند: قائم خاندان شما چه زمانی ظهور خواهد کرد حضرت فرمودند:

مثله مثل الساعة لا یجلیها لوقتها الا الله عز و جل لا تا تکم الا بغته

مثل ظهور او همچون مسأله قیامت است که زمانش جز به اراده خدای عز و جل معین نمی‌شود یکباره و به طور ناگهانی بر شما فرا می‌رسد^۱

ای تمام عالم به فدایت، و ای گرمابخش کانون دلها بر ظهورت تعجیل فرما که با فروغ رخسار شما غم از دل برون رود. هم صحبت حضرت حق بیا که رنج مهجوری دیگر وجود نداشته باشد. بیا که کعبه از انتظار تو بی‌تاب است. حضرت علی(ع) بر سجده ملکوتی، خون شوق وصال حق از دیده می‌افشاند. صبوری با صورتی نیلی و پهلوی شکسته، در کُنج بقیع آرام خوابیده است و حق محسن شهیدش را از ظالمان و ستمگران بگیرد. حضرت حسن ابن علی(ع) هنوز روزه‌دار است و در انتظار افطار است. سری در بالای نی ذکر خدا را گوید و لب تشنگان نینوا در هر زمان بعد از ساقی چشم امیدشان به شماست و هنوز صدای العطشان به گوش میرسد کودکی که در کنار سبد سر پدر، آرام به خواب رفته و قنذاقه‌ای در گوشه‌ای دیگر تشنه، از خون گلو سیراب می‌شود و گرفتن حق خود در تیزی ذوالفقار شفا می‌بیند که بازستانی. این الطالبُ بذخولِ الانبیاء و ابناء کجاست خواهنده خون



منظران طلوع

پیمبران و فرزندان این الطالب بدم المقتول بکربلاء کجاست خواهند
خون کشته کربلا.

متی نرد مناهلك الرويه فنروی متی ننتقع من
عذب مائک فقد صال الصدی متی نغادیک و
نراو حک و قد نشرت لواء النصر تری انرانا
نحف بک و انت تأم الملا و قد ملات الارضا
عذلا و اذقت اغدائک هوانا و عقابا و ابرت
العتاه و حجه الحق و قطعت دابر المتکبرین و
اجتثت اصول الظالمین.

چه زمانی می شود که به سرچشمه های پرآبت در آئیم و سیراب
شویم چه وقت می شود که سیراب گردیم از وصل شما که تشنگی
فراق را برطرف می شود که صبح و شام را با شما سیر بریم و دیده
روشن کنیم چه موقع می شود که شما ما را ببینی و ما شما را ببینیم و
پرچم نصرتت را برافراشته فرمائید و مردم آن را مشاهده نمایند آیا
می شود که ما ببینیم آن روزی که ما گرداگردت را گرفته و شما رهبر
مردم را رهبری نمائید و زمین را پر از عدل و داد فرمائید و بچشانی به
دشمنانت خواری و ذلت را و نابود فرمائید سرکشان و منکران حق را و
قطع فرمائید ریشه گردنکشان ستمکاران را^۱

پس حضرت امر فرماید:

منظران طلوع

که خلائق جمع شوند پس هر ظلمی و کفری که از اول عالم تا انقراض بنی آدم شده گناهانش را برایشان لازم آرند از زدن سلمان و سوختن در خانه اهل بیت رسالت علیهم السلام و شکستن پهلوی مظلومه صابره و اسقاط طفل معصوم حضرت زهرا(س) و زهر دادن امام حسن علیه السلام و شهید کردن امام حسین(ع) و بریدن سر اطفال و خویشان و یاوران وی و اسیر کردن اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ریختن خونهای ایشان و هر خون و فرج و مال و امر حرام که واقع شده برایشان بشمارد و اعتراف کنند که همه بشومی غصب حق خلیفه خدا واقع شده آنگاه امر فرماید که شیعیان هر که حاضر باشد از ایشان قصاص کند پس باز ایشان را به آن درخت کشیده به آتش امر فرماید که از زمین بیرون آمده هر دو را به آن درخت بسوزاند و باد را امر فرماید خاکستر نحس آنها را به دریا بپاشند.^۱

امام صادق(ع) می فرماید:

أَوَّلُ مَنْ يُحْكَمُ فِيهِمْ مَحْسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ فِي قَاتِلِهِ، ثُمَّ فِي قَنْفُذٍ، فَيُوتِيَانِ هُوَ وَ صَاحِبُهُ، فَيُضْرَبَانِ بِسَيَاطِرٍ مِنْ نَارٍ لَوْ وَقَعَ سَوَاطِرُ مِنْهَا عَلَى الْبَحَارِ لَغَلَّتْ مِنْ مَشْرِقِهَا إِلَى مَغْرِبِهَا وَ لَوْ وُضِعَتْ عَلَى جِبَالِ الدُّنْيَا لَذَابَتْ حَتَّى تَصِيرَ رَمَادًا، فَيُضْرَبَانِ بِهَا.^۲

۱ _ حلیه المتقین در ظهور حضرت قائم ص ۵۰

۲ _ کامل الزیارات ص ۳۳۴.

نخستین کسی که درباره او محکمه عدل در حکومت حقه تشکیل می‌شود، محسن فرزند علی است، بین او و قاتلش محکمه برگزار می‌شود، قنفذ و آقایش آورده می‌شوند و با تازیانه‌هایی از آتش شلاق می‌خورند که اگر یکی از آن شلاقها بر دریا زده شود همه اقیانوسهای جهان از مشرق تا مغرب به جوش می‌آید و اگر یکی از آنها به یکی از کوه‌های دنیا بخورد ذوب شده به خاکستر تبدیل می‌شود. آن دو دشمن خدا با این تازیانه شلاق می‌خورند.

شقایق داغدار هجران توست و غروب آفتاب شرح فراق تو را درون سینه فشرده است جهان از اجرای احکام بی‌عدالتان پر از آتش و دود است سراسر فتنه و آشوب است و جهان لبریز بی‌داد است و در انتظار دیدار سبزترین موجود عالم امکان بی‌قرار، صاحب نظر گوشه‌چشمی به دل ما فرما و بیا قفل جهان را باز و دیده‌ها را بینا فرما. و با کشتی نجات تشنگان عدالت و آزادی را به ساحل خوشبختی رهنمون فرما.

کجاست سایه سبز تناورت که تا لحظه‌ای در آن بیاسایم کجاست جاری رودت که مرا به سوی دریای مه‌ت شناور کند. بهاران نیز بدون شما بوی پائیز را می‌دهد بدون شما چنان آلوده‌ام که خود نیز خویش را نمی‌شناسم ای آنکه رتبهات از حضرت سلیمان پیامبر(ع) بالاتر و حُسن از حضرت یوسف(ع) فراتر است ای خورشید سپهر امامت پایان شب انتظار فرا نرسیده است، سحر نشده است. شب زنده‌داران منتظرند بی‌پناهان هر شب به دعای فرج تو پناه می‌آورند و بیماران برای سلامتی تو دعا می‌کنند و صدقه می‌دهند. و داغ‌دیده‌گان با یاد یوسف زهرا(علیها السلام) تسلی می‌یابند و مجتهدان از هر موج نگاه دلکش‌ات پیغام می‌گیرند مادران شهید سرخی خون شهیدشان را به شما هدیه کرده‌اند که شهدا سرباز شما بودند و در رکاب شما جنگیدند. شهیدان

منظران طلوع

کربلایی که تکرار عاشورای حسینی بودند که یکی در محراب نماز چون مولامان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ندای حق را پاسخ می‌فرماید و رستگار می‌شود و دیگری در سنگر هنگام خواندن دعای کمیل جام شهادت را می‌نوشد و رزمنده‌ای ساقی می‌شود و تشنگان را سیراب می‌کند و یکی نگاه به جاده‌های کربلا دست به روی سینه سلام می‌دهد و لبیک حق را پاسخ می‌دهد و دیگری در خط مقدم جبهه به درجه‌والای شهادت نائل می‌شود. اما مهدیا، یوسف بیابانگرد زهرا(س) غم و درد بالاتری می‌ماند برای خانواده‌هایی که زمین شرمنده از عطشی که داشت بستر نرم خاک را برایشان گسترده و جز خورشید نوازشگر جسم‌هایشان نیست و ماه با پاشیدن نور مهتابی خویش لالائی شهادت را و مردانگی‌شان را در گوش حقیقت شناسان نجوا می‌کند و تنها آسمان در عزای از دست رفتنشان بر مزارشان گریست. شهدا تنها امید نرفته از یاد و تنها یادگار روزهای سخت آتش و خون هستند تنها پلاک شهادت هستند و آنها شربت شهادت را از دست امام زمان(ع) نوشیدند و آهنگ وداعشان گوش فلک را گر کرده بود و جسم‌های متبرکشان فضای آسمان را عطرآگین نموده است شهدا به دیار خود بازگشته اما نه با پای خود که با حرکتی ملکوتی و افتخاری الهی، به حق، هر جا شقایقی می‌روید خون شهیدی آن را آبیاری کرده و ریشه در قلب مفقودی دارد که بوی عطر بهشتی از استخوان‌هایشان به مشام می‌رسد و هنوز خون‌هایشان بوی عشق می‌دهد. آنها آنقدر محو شناخت حق شدند که بی‌نام و نشان رفتند و به لقاء الله رسیدند. ای برترین پناه برای بی‌پناهان دست نیایش به دامان پر جبروت شما گسترده‌ایم. ای نهایت انتظار را معنا و ای لیاقت صبر.

جمعه موعود

ای تبسم عشق بر محبت، جمعه بهترین روز هفته است زیرا که به نام لحظه لحظه وجود آن ظهور شما رقم می خورد جمعه از شماست به نام شماست و برای شماست جمعه ها مثل قلب عاشق دل باخته پرتپش است و از سحرگاه تا اوایل روز که با دعا برای ظهورت و دعای ندبه شروع می شود زیبا و دلنشین می گذرد ثانیه ها با امید وصال شما و ظهور عالم گیرت زیبا و ماندگار به پیش می رود ای کاش می شد این ثانیه ها را نگاه داشت ای کاش می شد مثل یک قطار که ایستگاه دارد قطار زمان را نیز ایستگاهی داشت و در ایستگاه جمعه نگاه می داشتیم تا مسافرش از راه برسد و مرکب زمانه به دست گیرد. نماز جمعه را به شما اقتداء می کنیم و دعای فرجت را بر تمامی آسمان کشورمان طنین می اندازیم.

لحظه های عصر امیدوارانه و منتظر نگاه بر جاده های آسمانی می دوزد که چه زمانی منجی عالم بشریت ظهور خواهد کرد. ندای آسمانی ظهور به گوش خواهد رسید ندایی که همه مردم روی زمین آن را خواهند شنید هر کس به زبان خودش. ندایی که بانگ برمی آورد

منظران طلوع

که امیر شما اوست. اما آنانکه مجری ظلم و ستم بوده یا پیرو آنان بودند به وحشت می‌افتند و هیچ گونه قدرت عکس‌العملی ندارند و این ندای آسمانی پگاه جمعه روز ظهور منجی عالم بشریت توسط جبرئیل امین بانگ برآورده می‌شود و خوشا به سعادت آن کس که این صدا را بشنود و لایک گوید.

در روز جمعه ندای آسمانی جبرئیل از آسمان و در صبح و اولین نداست که به گوش می‌رسد و در این روز صدای دیگری به گوش می‌رسد، دومی صدای ابلیس است و آن صدا از زمین می‌باشد که از امام صادق در این رابطه پرسیدند: چه کسی به این ندا و چه کسی به آن ندا پاسخ خواهد داد فرمودند: کسی که قبلاً به آن ایمان آورده، و کسی که به آن ایمان می‌آورد بانگ آسمانی را می‌شنود و می‌فهمد که حق است و آن را تصدیق می‌کند.

مهدیا (عج) جانم به قربانت که جمعه را برگزیدی هم برای تولد و هم برای ظهورت که در روایت آمده است بانگ آسمانی در پگاه روز جمعه بیست و سوم ماه مبارک رمضان خواهد آمد در همین رابطه توصیه شده شنوندگان آن صدا برای جلوگیری از عوارض آن بانگ آسمانی گوشه‌های خود را گرفته و پس از شنیدن آن ندای ملکوتی و با شکوه خدا را شاکر باشند و سجده شکر به جای آورند و سپس نماز توبه و نماز حاجت بخوانند به راستی چه حاجتی از این مهم‌تر و بالاتر که در سایه حکومت عدل شما باشیم.

فاذا صلیتم الفجر من یوم الجمعة المذكور، فادخلوا

بیوتکم، و اغلقوا ابوابکم و سدوا الکوی، و دثروا

انفسکم و سدوا آذانکم فاذا احسستم بالصیحة فخرؤا



سجدا و قولوا: سبحان ربنا القدوس، فانه من فعل
ذلك نجا و من برز لها هلك.

چون نماز صبح را در روز جمعه یاد شده خواندید وارد خانه‌های
خود شدید و درها و پنجره‌ها را ببندید خود را بپوشانید و گوش‌های
خود را بگیرید هنگامی که بانگ آسمانی را شنیدید سجده کرده و
بگویید: «سبحان ربنا القدوس» هر کس چنین رفتار کند نجات پیدا
می‌کند و هر کس رو در روی آن بایستد هلاک می‌شود.^۱

اما افسوس که غروب نزدیک می‌شود و هنوز روز به پایان نرسیده غم
سنگین هجران از سر گرفته می‌شود و انتظار طولانی‌تر و زخم عشق
کهنه‌تر می‌گردد و دلتنگی محض سراسر عالم را فرا می‌گیرد. ای کاش
می‌شد فهمید زمان وعده دیدار را و وقت رسیدن به معشوق را دانست.
ای عزیز مهاجر، هجران طولانی خود را پایان ببخش و با ظهورت
بذر این انتظار فراگیر را و این فراق طاقت فرسا را به باد صبا بسپار.
شما آب هستی، شما کوثری شما زمزمی شما فراتی، تشنه‌ها
منتظرند و ناله‌ای که از دوری شما در سینه دارم خاموش مانده و از ابر
دیده‌هایم ژاله می‌بارد و مرحمی بر تن تبار من می‌شوند. که جان و
دل ارزانی نگاه پرگوهر شما باد.

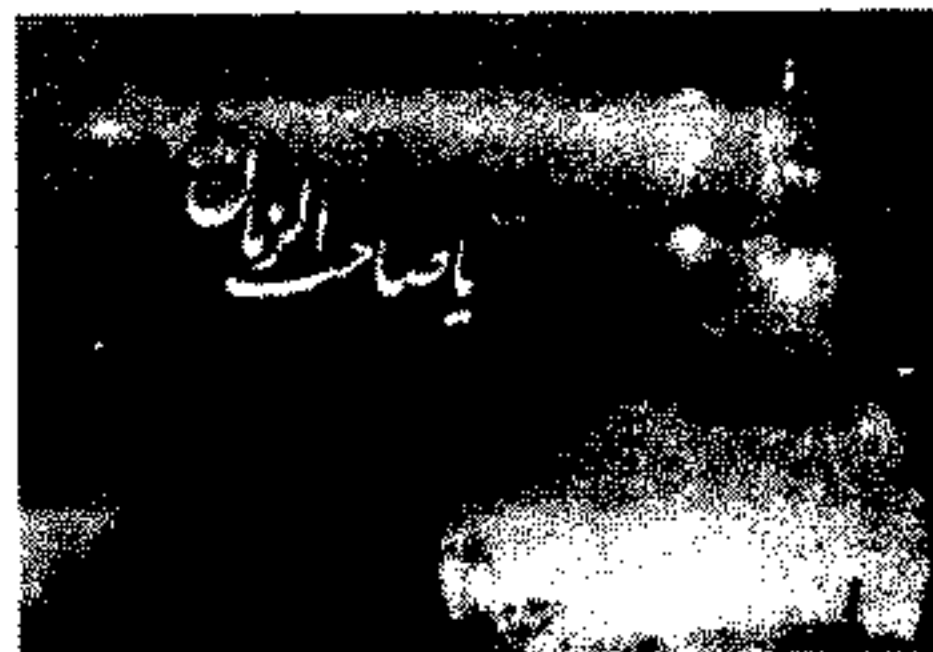
و زندگی و دنیای من فدای لحظه لحظه ظهور شما، جانم تشنه
اجابت و روحم تشنه پرواز به لحظه وصال است. رسیدن به لحظه
موعود ظهور، بی‌خیال آنکه بال پروازم شکسته و پای رفتن ندارم.
آنقدر بار گناهانم سنگین است که نه بال پرواز که کمرم را شکسته است.
اما در روحم حسی است که امید پرواز را در من تقویت می‌کند. اما
مگر تنها با روحی سبک می‌توان پرواز کرد پس جان خسته و کوله‌بار

منظران طلوع

سنگین را چه کنم؟ نمی‌توانم از خود دورش کنم همراه من است. من این آذوقه سفر را نمی‌خواهم این چه آذوقه‌ای است که سفر را برایم دشوار ساخته است این چه ره توشه‌ای است که اجابت حاجتم را به تأخیر می‌اندازد و وصالم را دور و راهم را ناهموار ساخته و قوای تنم را می‌گیرد و سعادت رسیدن و لیاقت پرواز را از من می‌ستاند پس به دنبال راهی هستم به دنبال دری که گشوده شود کسی بیاید و این کوله‌بار سنگین را از من جدا کند به دنبال کسی که مرا و خودم را بپذیرد نه با کوله‌بار و ره توشه‌ای که دارم. بلکه حس رسیدن حس پرواز به اوج معنویت و ابدیت بی‌همتا را بپذیرد.

باران فیض رحمتش را آب توبه باشد و زنجیر بندگی بر گردنم آویزد. غبار غفلت آسمان دلم را تیره کرده و چشمان من از دیدن آنچه در وظیفه آن نبوده کمسو شده و زبانم از خستگی گناه فراوان لال و تنها نیرویی که مرا به شما سوق و ذوق پرواز می‌دهد نیروی قلبم است که با شنیدن نام شما قوای تپیدن دارد و توان زیستن را برایم فراهم آورده است.

می‌دانم که من فروتر از آنم که به دروغ گویم شما را درک می‌کنم و از وادی عشق شما دور افتاده‌ترم اما نمی‌دانم چرا با این همه بی‌لیاقتی به خود رخصت می‌دهم که نام مبارکت را در لابلای سخنان به هم پاشیده و بی‌سر و ته خویش بیاورم. در نگاهم آسمان پر جبروت نگاه شما آرمیده است پس بپذیر این پرواز خیالی را که شما بهترین و برترین میزبان شیعیانی.



جمکران

حال که از دیده‌ها پنهانی و ما را سعادتى به تماشای مه روی شما نیست کبوتر ذهن جز به سر کوی شما که همان مسجد مقدس جمکران قم است و جای دیگر آرام نمی‌گیرد، قم که از سالم‌ترین مناطق روی زمین باید باشد و قرارگاه آل محمد و پناهگاه شیعیان باید باشد و بندگان و منتظران واقعی مهدی عج الله باید در آن اجتماع نمایند و به این جهت قم نامیده شده است.

انما سمیت قم هکذا لان اهلها یجتمعون مع قائم آل

محمد و یقومون معه و یتقیمون علی نصرته.

قم به این جهت (قم) نامیده شده که اهل آن در محضر قائم آل محمد گرد هم می‌آیند و با او قیام می‌کنند و از یاری او منحرف نمی‌شوند. امام صادق(ع) در مورد عده‌ای از ساکنان قم فرموده‌اند قم قرارگاه آل محمد و پناهگاه شیعیان است لیکن گروهی از جوانانشان در اثر گناهان پدران و ارج ننهادن و تمسخر بر زنان و پیران به هلاکت درخواهند افتاد ولی با این حال باز هم خداوند شر دشمنان و هر بدخواهی را از آنان دور خواهند ساخت.

منظران طلوع

قم شهر شیعیان عاشقی است که هر هفته کاروانهایی را از اطراف و اکناف ایران به زیارت حضرت معصومه و مسجد مقدس جمکران حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف می‌طلبند و چه زیارتی از این زیارت بالاتر که چهارده معصوم به زیارت آن علاقه‌مند و آن را توصیه فرمودند و از این جایگاه بالاتر که دو رکعت نماز در آن مسجد ثواب نماز خواندن در خانه خدا را دارد.

چه منزلگاهی از این بهتر و چه پناهگاهی از این آسوده‌تر که شما را بتوان یافت و حضورت را بیش از همیشه احساس کرد. کوله‌باری که اندوخته‌اش جانمازی است.

جانمازی که تار و پودش از مهر شماست و مهرش از خاک کربلا و تسبیح صد دانه ایّاک نعبد و ایّاک نستعین نماز شماست و کتاب دعایی را برمی‌داریم و به سوی کوی یار حرکت می‌کنیم وقتی بر مرکب سوار می‌شویم این ما نیستیم که قصد حرکت می‌کنیم بلکه روح زخم خورده‌ای است که به پرواز درآمده و دارالشفاء خویش را خوب می‌شناسد این ما نیستیم بلکه پروانه سبک بالی است از جان گذشته، خویش را آماده کرده برای سوختن در شعله محبت شمعی فروزان و جاودانه که گرما و نور هدایتش از خورشید تابنده‌تر و از ماه پرنورتر و زیباتر است به راستی که چون خورشیدی در پشت کوهی از صبر و انتظار هستی. که وجود شما را سعادت تماشا نیست ولی حضور شما گرمابخش جان و دل ما و حکومت شما و زندگی ماست.

«أما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکالانتفاع

بشمس اذا غیبتها عن الابصار السحاب»

اما گونه بهره جستن از من در زمان غیبت همانند بهره‌وری از خورشید در هنگامی است که ابرها را از دیدگان می‌پوشاند.^۱

وقتی به جاده‌های مشرف به مسجد مقدس جمکران نزدیک می‌شویم حسی غریب ما را فرا می‌گیرد که از درون به بیرون بنگرید و چشمانمان را با این مناظر، بصیرتی دیگر بخشیم. مناظری که هیچ جلوه‌گاه مادی ندارد بیابانی است ممتد و تشنه که ما را عطشناک می‌گرداند و تشنه‌تر از همیشه ما را محتاج آب توبه می‌سازد.

این صحرای برهوت این خار و خاشاک زمین، فرش گسترده‌ای است به گل و ریحان که بی‌گمان حضرت مهدی (عج) یوسف زهرا (س) از آن می‌گذرد.

هرچه از این مسافت کوتاه‌تر می‌شود اشکهای ما و غصه‌های ما در این بیابان بیشتر می‌گردد که مهدیا (عج)؛ من به قربان قدمهای شما کردم که بوی نم‌گریه‌های شما در این بیابان به مشام می‌رسد صدای قدمهای غمگین شما و صدای دعا و نیایش درگاه شما در این بیابانهای منتهی به مسجد مقدس جمکران اگر گوش جان فرا دهید به گوش می‌رسد که شما از سحرگاه تا به شام هر سه‌شنبه در مسجد حضور داری، نمی‌خواهم از این جاده‌های خاکی چشم بردارم که این قلبی که عصمت در آن جایگزین است و چهره‌ای که چون ماه تابان به جمال حسن پیامبر شبیه می‌باشد چون کهکشان از این جاده می‌گذرد و همه چشمها به دنبال نشانه‌ای است که از شما بیابند و به راستی خوشا به سعادت آنانکه به فیض دیدار نائل می‌شوند و فروغ چهره تابناک شما را دیده‌اند.

منظران طلوع

المهدی اقبل اجعد، هو صاحب الوجه الاقمر و
الجبین الزهر، صاحب الشامة و العلامة، العالم
الغیور المعلم المخبّر بالاثار.

مهدی دیدگانی مشکى، موهایى پرپشت، چهره‌ای چون ماه تابان،
پیشانی باز و درخشان، خالی بر گونه راست و نشانی (چون مهر نبوت
در میان دو کتف دارد).^۱

سایه شمشاد روحش، اندام سرو و چشم نرگش، گیسوی سنبل و
بوی سمنش عاشقان جمالش را به وجد و طرب می‌آورد.

خوشا به حال آنکه نگاهشان به طلوعس بهشت گره می‌خورد و قلبشان از اخلاص
و محبت اهل بیت لبریز است و پروانه شمع جمال و گل رخسارش می‌گردند

این مناظر بصیرتی و محزون شاید اندوه ما را قدری با ریختن
اشک‌هایی بزداید و ما را با زمان همسفر گرداند. اما مدتی از گذر این
جاده‌ها می‌گذرد و ما زیر لب با همسفران دعای فرج را زمزمه می‌کنیم
تا اینکه نوری سپید، گنبدی خضرا با مناره‌هایی رعنا چشمان را به
جمال و جبروت و عظمت مسجد مقدس جمکران روشن می‌کند و
دست به سینه به آقا و مقتدامان سلامی از سر صدق و معرفت عطا
می‌کنیم سلامی که از کوره راه‌های قلبمان و از نهایت حزن هجران او
سرچشمه گرفته و بر قلبی پاک و شریف روانه می‌گردد.

هر چه بیشتر به مسجد نزدیک می‌شویم تپش قلبمان بیشتر
می‌شود که آیا این ما هستیم که به این سعادت نائل شدیم ما پذیرفته
شدیم که قدم در قدمگاه اقامان گذاشتیم این چه لیاقتی است که از

۱ _ بشاره الاسلام ص ۲۲۰ _ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۵۹.

حج برایمان شریفتر است. اگر اختر بدمهر، ماه رویت را از ما گرفته است اما دلخوشیم به قدمگاه شما. مسجد مقدس جمکران شما کعبه ما، حج ما و تمام بندگی ما می باشد. اوج پرواز به ملکوت و سیر در عالم ظهور شما، مسجد مقدس جمکران شما قبله گاه هر عاشق دلباخته ای است که بی شک همراه خود حاجاتی مادی و معنوی دارد و خوشا به حال آنانکه فقط کلامشان، حاجاتشان، هدفشان اللهمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ باشد. وقتی به دروازه مسجد می رسد یکی به زمین می افتد و به سجده می رود و های های گریه می کند که وضع و حال ظاهریش به دل عاشق و پریشان نمی خورد. یکی سر بر درب می نهد و آرام آرام به اشک دیده هایش غبار درب حرم را می شوید و با خضوعی تمام و خشوعی وصف ناپذیر دست به سینه می گیرد بلند یا کوتاه سلام می دهد و رخصت می طلبد. یکی سوار بر چرخ ویلچر با چشمانی منتظر، این بار چهلمین است که می بینمش به این دارالشفاء می آید. دیگری دست در دست همراهش تو را می جوید که چشم نابینایش را بینا کن هر چند که از تبسم و نگاه معصومانه اش به گنبد سبز شما معلوم است چشم بصیرتی دارد و دل روشنی، دیگری دست کودک بیمارش را محکم می فشارد و سر تعظیم فرو می آورد و آهسته می گرید که این بار به سلامت از این در خارج شود. یکی مقداری از دارایی و اموال خویش را نذر می کند یکی برآورده می کند و یکی نیت می بندد. خلاصه هر کسی حال خوشی دارد و روح تازه ای در من دمیده می شود انگار تمام ذهنیات من پاک شده سبک می شوم و دیگر هیچ یک از حوائج دنیوی را به خاطر نمی آورم انگار هنوز وارد صحن و سرایت نشده دعاهایم به اجابت رسیده است که اینقدر سبکبال قدم برمی دارم.

منظران طلوع

یکی در صحن تو چادر نمازش را به سر کرده بر سجاده عشق نمازت را با هزاران جلوه به جا می آورد جوانی آن طرف تر چنان ایاک نعبد و ایاک نستعین را با خضوع بر زبان می آورد و دیگری به همراه خانواده اش و یا تنها و یا در کنار بیمار خویش مشغول دعا و مناجات و نماز است. کمی آن طرف تر چای و غذای صلواتی که کام هر تشنه لبی و گرسنه ای را که جام وجودش گرسنه است از طعام نذری تو سیراب می کند و بهره می برد. در پشت مسجد چاهی است به نام شما، وقتی نزدیک می شوی عریضه می گیری تمام دردها و غصه های غیبتش را یکجا می نویسی و درون چاه می اندازی به یاد غربت امیرالمؤمنین که همرازی جز چاه نداشت و چاه پر از آه و ناله شد آنقدر که دگر آب آن تلخ و دیگر گوارا نمی باشد. می گویند حرف تو بیشتر به آقا نزدیک است وقتی توسط عریضه مخصوص چاه امام زمان به دستش برسد.

مجموعه مسجد آب انبار و بادگیر

حوزه علمیه قم



اما بیشتر شوق و ذوق روحانی زیارت جمکران می ماند برای مسجد، که وقتی که صحن نسبتاً بزرگ جمکران را پیمودی به مسجد می رسی از پله ها بالا می روی محراب مسجد که نور سبز زیبایش جلوه گاه خاصی به مسجد داده است. هنگام ورود نه تنها چشمانت که دل را روشن می کند. محراب مسجد نورانیت عجیبی دارد انگار که نور مسجد با نور احمدی عجین شده که این قدر فراگیر و زیباست. که امام رضا(ع) می فرماید: هو الذی ستطوی له الارض اوست که زمین از برایش در نور دیده خواهد شد.

که با شاعر همنوا می شویم که می گوید:

گوهر مخزن اسرار همان است که بود

حقه مهر بدان مهر نشان است که بود

کشته غمزه خود را به زیارت دریاب

زانکه بیچاره همان دل نگران است که بود

اگر چشم دل باز کنی حضور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حقیقتاً مشاهده می گردد. دل باختگان و شیعیان در صفوفی منظم به آقا امام زمان اقتدا می کنند که شکوه و جبروت نماز در مسجد بی نظیر است.

صفوفی زیبا و جماعتی بی نظیر را مشاهده می کنی که بی ریا و صادق هر کدام از قوم و زبان و خصوصیت اجتماعی خاص خودشان برخوردارند اما همه در دل یاد تو دارند و بر زبان ذکر نماز تو، و این آتش مهر شماس و انتظار فرجت که همه را به این سو کشانده است و اشتراک ما تنها توئی. فرقی بینمان نیست مگر نیاتمان که یکی شفا می خواهد و یکی سرپناهی، یکی اهلیت فرزند و دیگری گشایش

منتظران طلوع

مشکلاتش اما نمی دانم در پس این پرده های زیر لب کلام کدام یک مرتباً نجوا می کند اللهم عجل لوليک الفرج و دیگر هیچ نمی خواند زیرا که شما منبع لایزال رحمت خداوندی هستی دریای پرخروش برکتی که راه به اقیانوس پُر زرحمت ایزدی دارد همه قطره هستیم و شما دریایی. همه پرتوئیم و شما خورشیدی همه کلام و شما گنجینه معرفتی. ای کاش می شد بر آستانت چو غباری باشم و عروج ملکوتی نمازت را به نظاره بنشینم و یا چون دانه گیاهی در دل خاک از طلعت فردایت بهره مند می شدم ای ماه پر فروغ از دوری و هجران تو به جمکران شما پناه آورده ایم از پشت پرده غیبت برون آی و طنین نماز را و آهنگ ایاک نعبد و ایاک نستعین قیامت را ببین که با منتظرانت چه کرده است می دانم که از گناهان ما تنگدل شده ای اما بیا و عذر گناه ما را ببین. آهوی نگاهت را به دشت انتظارت روانه کن که طاقت فریاد نیز از ما گسسته شده و رشته های اشک ناگزیر و غلطان فرو می ریزد از نهادمان، و چون غباری بر سر راهت می نشینیم تا عطر گل محمدیت کویر زندگیمان را گلستان کند و مه سیمایت آسمان ولایتان را مهتابی. یا صاحب العصر والزمان این آمد و رفتها، همه بهانه ای است که پرتو خورشید ولایت فراگیر شود و با نور پر از فروغت جهان را پر از عدل و داد کنی، ویرانه هایی که سبزی و طراوتشان به فراموشی سپرده شده آباد کنی. مشکلاتی که لاینحل است مرتفع سازی و زندگی آسان بدون هیچ فاصله طبقاتی و برداشتن اصل زشتی و پلیدی محض از دامن طبیعت انسانها. تو کوه ساکت و صبر ایوبی تو کشتی نجات دهنده نوحی و چو ابراهیم بت شکن زمانی، چو موسی کلیم الله رسالتت در یک شب فراهم خواهد شد و کلام

منتظران طلوع

ناطق عیسائی، تو نور احمدی و شمشیر حیدری و خونبهای حسنین را تو باید بازستانی. تو ادامه دهنده سجده‌های طولانی امام سجاده (ع) هستی و آرام دل اسرای کربلایی چو امام باقر (ع) شکافنده دریای علم و حلمی و مثال امام جعفر صادق نامت نزد اهل آسمان صادق است و مانند او دعوی امامت خواهی نمود و چون امام موسی کاظم خاموش و فرو برنده خشمی امام موسی کاظم (ع) در تمام دوران زندگی حتی سالهای حبس که از آن حضرت یک کلمه نفرین یا سخن خشم‌آمیز نشنیدند و شما که در غیبت باز برای مردم دعا می‌کنید و همانند امام رضا (ع) صابر و فاضل و رضی هستی امام رضا (ع) بدین جهت به رضا ملقب شد که هم دوستان و هم دشمنان از او خشنود و راضی بودند و شما نیز هم دوست و هم دشمن از شما راضی و منتظر ظهورت هستید چون امام جواد (ع) به هنگام تولد به زبان فصیح ندا کرد که اشهد ان لا اله الا الله و چون امام هادی (ع) مشعل هدایت در کور راه‌های جهل و نادانی هستی و چون پدرت خداوند شما را از کودکی به حکمت گویا در روی زمین حجت خود گردانید. تو قوت قلب تمام مسافرانی هستی که به سوی حرمت پر می‌گشایند هر کس به طریقی شفا را می‌جوید و شما را می‌یابد هر چند که چون شهاب ای نور دیده از کنارمان می‌گذری نمازت آرامبخش قلب شکسته و روح خسته‌مان است در سجده‌های طولانی صلوات، سلامتی و فرجت را خواستاریم و در هر رکوع و سجود انگار که روحمان سبک می‌شود و در هر نشست و برخاست گناهانمان چون برگ پائیزی فرو می‌ریزد، و دل‌مان به ظهور امامان تجلی بیشتری می‌یابد وقتی نماز به پایان رسید و به ناچار باید از مسجد بیرون بیاییم تا به کاروان دل‌باختگان مهدی فاطمه

منظران طلوع

متصل شویم جلوه‌ای زیبا مرا متوجه خود ساخت جوانی که تا ساعتی
بیش بر چرخ ویلچر می‌گریست دنبال ما شانه به شانه راه می‌رود.
غمزده‌ای از غم رها گشته می‌شتابد بیماری لاعلاج به سلامت به دیار
خویش برمی‌گردد. مادری که گره بر کارش افتاده بود نمی‌دانم چرا دیگر
محزون و دل‌پریشان نیست اما همه به کنار خوشا به حال کسی که
دیده‌اش به جمال تو هویدا می‌شود و در اشک تلخ شمع وجودش اختر
تابناکی جاودانه پرتو می‌افکند و زیارتش پذیرفته و حجش مقبول شده
است. صحن و سرای گسترده‌ات مرا به یاد مینا می‌اندازد که حس
حضورت در آن پیدا است اما چه باید کرد که حس غریب انتظار حس
غریب بی‌کسی سراسر وجودمان را دوباره پر می‌کند. حل مشکل و رفع
بیماری شد حاجت روا شدیم ولی اقامان نیامد!

ای همیشه سبز، ای همیشه منور و صبور ظهورت ما را آرام
می‌کند اگر بزرگترین حاجاتمان را هم برآورده کنی باز تو را می‌خوانیم
و تو را می‌خواهیم.

یا حجة ابن الحسن العسگری

یا صاحب العصر والزمان در ظهورت تعجیل فرما ای حبل‌المتین،
عروة الوثقی که در سن ۵ سالگی امر مهم و سنگین ولایت به تو
واگذار شد چون عیسی بن مریم که در بدو تولد به پیامبری رسید و
دعوت خویش شروع نمود و چه بجاست ظهور شما وقتی که همراه
خود حضرت عیسی را نیز به عرصه ظهور و جهان خواهی آورد.

ستم به سوی کسی دراز نکرده و حقوق دیگران را غصب نکنیم. به مال ایتام و مساکین طمع نورزیم و با چراغ پر فروز امید به ظهورت، زندگانی مادی و معنویمان سیر تکامل گرفته و در تهذیب اخلاق می کوشیم تا روز موعود که فرا رسد اشک ندامت و چهره معصیت کارمان رسوایان نکند و مورد بازخواست نباشیم مهدیا انتظارت کشیدن زیباست انتظار حساب می کند اعمالمان را قبل از آنکه مورد محاسبه شما قرار گیرد انتظارت مشکلات را آسان می نماید باعث تسلط بر نفس و تقویت فکر برای اداره امور زندگی و دوری از معصیت می شود. انتظار فرجت مردم را به طاعت و عبادت می کشاند و از هر فحشا و منکرات باز می دارد آدمی را به فضیلت می آراید تا قابل فیض زیارتت گردیم و در حضورت سرافراز گردیم ان شاء الله وظیفه دوم دعا برای ظهورت است.

مهدیا یوسف زهرا دعای عهد هر صبح که ۴۰ صباح فرموده شده، دعای فرجت که زمزمه هر شیعه است دعای توسل و ندبه و صدقه فراوان برای سلامتی و تعجیل در ظهورت امر فرج را تعجیل می سازد که فرمودید: برای ظهورم دعا کنید که امر فرج در دعای شماست.

اما به گمانم هیچ دعایی از دعای شما به اجابت نزدیکتر نیست و هیچ قلبی به اندازه قلب مطهرتان به حضرت حق نزدیکتر نمی باشد و هیچ نفسی زودتر از نفس گرمتان از سرا به ثریا نمی رسد.

یا امام العصر و الزمان نگاه پر ز رحمتت را از ما دریغ مدار که دل از ساقی چشمان تو جام می گیرد و اکنون که توده ابرهای خصمانی سراسر آسمان کره خاکیمان را فرا گرفته، کاخ آرزوهای پسر ز عشق و محبت فرو می ریزند و به جای آنها تخم طمع و حسد و ریا کاشته

منظران طلوع

می شود و دیوارهای سخت مشکلات سد معبرند و دل غمگینمان بافته‌ای از گره حوصله‌هاست. ای یوسف بیابانگرد زهرا بر ظهورت تعجیل فرما. ای کاش می توانستم تا تو همه فاصله‌ها را بدویم و گله‌ها را زودتر از واقعه شرح دهیم.

السّلام علی المهدی الذی وعد الله عزّ و جلّ
به الامم انّ ینجمع به الکلم و ینلم به الشعث و
یملاّ به الارض قسطاً و عدلاً و ینمکن له و
ینجز به وعد الفوفین.

سلام بر مهدی که وعده کرده خدای عز و جل به آمدنش ملت‌ها را، تا گرد آورد به وسیله‌اش گفته‌ها را، برطرف کند به وسیله‌اش پراکندگی و عدل و داد را در زمین حکم فرما سازد. انفاذ فرماید به سبب او وعده فرجی که به مؤمن داده است.^۱

ای گل محمدی، اما جهان آئینه تمام نمائی است که اثر سخت‌ترین زلزله‌هایی که در دین محمدی (ص) به وجود آمده در آن نمایان است. ای آبرو ارزش دهنده بیچارگان مؤمن بیا و در ما روح تازه بدم و عدالت را که در زندان محبوس است آزاد ساز و ارزشهای اسلام پیامبر را زنده کن. کعبه بی‌صبرانه در انتظار ظهورت است در انتظار بانگی رسا که از بامش برآید و عرشیان و فرشیان آن را بشنوند کعبه در انتظار ظهورت است تا نوید آزادی حکومت الهی و اسلامی به همگان برسد. کعبه‌ای که در آغاز و برای اولین بار آن را حضرت آدم

۱ _ مفاتیح الجنان، قسمتی از زیارت حضرت صاحب الامر.

نشانه‌های ظهور

به راستی این وعده کی تحقق خواهد پذیرفت؟ کی وقت ظهور منجی عالم بشریت فرا خواهد رسید؟ آن رستاخیز عظیم کی نزدیک خواهد شد؟ و نشانه‌های آن انقلاب جهانی چیست؟ و از کجا بدانیم که کی وقت طلوع غیبت مهدی فرا رسیده است همانطور که هر پدیده‌ای در جهان بدون مقدمه و هر علتی را معلولی است ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف نیز بدون نشانه و علامت نیست که از مهمترین علامات ظهورش چند نشانه است:

۱- فراگیری ظلم و ستم است که کمی و بیش نشانه‌هایش در روی کره زمین بیشتر می‌شود گسترش ظلم و ستم، تجاوز به حقوق دیگران و زیر پا له کردن حقوق ستم دیدگان و مستمندان و یتیمان و انواع مفسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی که در این زمانه کم اتفاق نمی‌افتد.

زمانی به فرموده امام صادق(ع) که به یکی از یاران خود فرمود:
هنگامی که بینی ظلم و ستم همه جا فراگیر شد هنگامی که بینی قرآن فرسوده و بدعت‌هایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن

آمده، هنگامی که ببینی آئین خدا عملاً بی محتوا شده همانند ظرفی که آن را واژگون سازد.

هنگامی که ببینی اهل باطل بر اهل حق پیشی گرفته‌اند مردان به مردان و زنان به زنان قناعت کنند.

هنگامی که ببینی افراد به ظاهر باایمان سکوت اختیار کنند.

هنگامی که ببینی کوچکتر ما احترام بزرگترها را رعایت نمی‌کنند.

هنگامی که ببینی پیوند خویشاوندی بریده شده، هنگامی که ببینی مداحی و چاپلوسی فراوان شده. هنگامی که ببینی آشکارا شراب نوشیده شود.

هنگامی که ببینی راه‌های خیر منقطع و راه‌های شرّ مورد توجه قرار گیرد.

هنگامی که ببینی حلال تحریم شود و حرام مجاز شمرده شود.

هنگامی که ببینی قولین و فرمانهای دینی طبق تمایلات اشخاص تفسیر گردد

هنگامی که ببینی از افراد باایمان چنان سلب آزادی شود که خبر با دل نتوانند ابراز تنفر کنند.

هنگامی که ببینی سرمایه‌های عظیم در راه خشم خدا صرف گردد.

هنگامی که ببینی رشوه‌خواری در میان کارکنان دولت رایج گردد.

هنگامی که ببینی پُستهای حساس به مزایده گذارده شود هنگامی

که ببینی بعضی از مردان از خودفروشی زنان خود ارتزاق کنند.

هنگامی که قمار آشکار گردد (حتی در پناه قانون) هنگامی که

سرگرمی‌های ناسالم چنان رواج پیدا کند که هیچ کس جرأت

جلوگیری از آن نداشته باشد. هنگامی که ببینی شنیدن حقایق قرآن بر

مردم گران آید اما شنیدن باطل سهل و آسان.

هنگامی که بینی همسایه همسایه خود را از ترس زبانش احترام گذارد.
هنگامی که بینی مساجد را به زیورها بیارایند. برای غیر خدا به
حج خانه خدا بشتابند.

هنگامی که بینی مردم سنگدل شده و عواطف بمیرد. مردم
طرفدار کسی باشند که پیروز است (خواه بر حق باشد یا باطل)
هنگامی که بینی آنها که به دنبال حلال هستند نکوهش شوند و
آنها که به دنبال حرامند مدح شوند.

هنگامی که بینی آلات لهو و لعب حتی در مکه و مدینه آشکار گردد.
هنگامی که بینی اگر کسی اقدام به امر به معروف و نهی از منکر
کند به او توصیه می کنند که این کار وظیفه تو نیست.

هنگامی که بینی مساجد پر از کسانی است که از خدا نمی ترسند.
هنگامی که بینی تمام همت مردم شکم و فرجشان است.

هنگامی که بینی امکانات مادی و معنوی فراوان می گردد و دنیا
به مردم روی می کند هنگامی که بینی زنان خود را در اختیار افراد
بی ایمان می گذارند، هنگامی که بینی پرچم های حق پرستی فرسوده و
کهنه می گردد. هنگامی که بینی ویرانگری به وسیله جنگ ها بر
عمران و آبادی پیشی گرفته است.

هنگامی که بینی درآمد زندگی بعضی تنها از طریق کم فروشی
می شود، کسانی هستند با سرمایه فراوان در حالی که در بهرشان حتی
یک مرتبه هم زکات نپرداخته اند، مردم عصرها، در حال نشئه و
صبحگاهان مستند.

هنگامی که بینی مردم همه به یکدیگر نگاه می کنند و از فاسدان
شروع تقلید می کنند هر سال فساد و بدعتی نو پیدا می شود، مردم و

محافل همه پیرو ثروتمندان خودخواه می‌شوند در حضور جمع همانند بهایم مرتکب اعمال جنسی می‌شوند.

هنگامی که بینی اموال زیاد در غیر راه خدا صرف می‌کنند اما در راه خدا از کمی مضایقه دارند.

هنگامی که بینی افرادی پیدا می‌شوند که اگر یک روز گناه کبیره‌ای انجام ندهند غمگینند.

هنگامی که بینی حکومت به دست زنان می‌افتد. هنگامی که بینی نسیم‌ها به سوی فاسقان می‌وزد و هیچ جریانی به سود افراد باایمان نیست هنگامی که بینی دادرسان بر خلاف فرمان خدا قضاوت می‌کنند بر فراز منابر دعوت به تقوی می‌شود ولی دعوت کننده خود به آن عمل نمی‌کند مردم نسبت به وقت نماز بی‌اعتنا می‌شوند، حتی کمک به نیازمندان با توصیه و پارتنی بازی صورت می‌گیرد و نه برای خدا.

در چنین زمانی مراقب خویش باش و از خدا تقاضای نجات و رهایی از این وضع ناهنجار کن (که فرج نزدیک است)^۱

به راستی جامعه‌ای که چنین نشانه‌ها و خصایص را داشته باشد رهبری می‌طلبد و نجات دهنده‌ای که مردم را از قعر معصیت بیرون کشد و آنان را که مسبب رواج این اعمال هستند و قابل هدایت نیستند با ذوالفقار از میان بردارد وقتی که ظلم و ستم فراگیر شود و قرآن که سرچشمه آیات و احکام الهی و سخن باری تعالی است گاه در بعضی خانواده‌ها به غیر از برای مراسمی که جنبه مذهبی دارد استفاده دیگری نمی‌شود افراد باایمان در مقابل هر گونه ناملایمتی که

از منافقان و بدکاران می‌بینند اگر سکوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نکنند این شعار عاشورا که شهادت امام حسین و یارانش و واقعه جانسوز کربلا برای این هدف رقم خورد چه ایمانی است که آنها دم می‌زنند تنها دل که نمی‌تواند این همه بار غم را بکشد باید به زبان آورد گفته شود تا باری مورد قبول افتد و گاه آنقدر مدهای غربی و سرگرمی‌های ناسالم ما را به خود مشغول کرده است که ایمان و ساده زیستن در زندگیمان رنگ باخته و آنچنان غرق تجملات و تهیه و تدارکات آن می‌شویم و آنچنان از برای تهیه مسکن و زندگی در تکاپوئیم که گمان می‌بریم سالیان سال در این دنیا خواهیم زیست و زمان برای توبه و قرب الهی بسیار است یا از خودمان پرسیده‌ایم همسایه ما چگونه از صبح تا شب به دنبال زندگی است با چه وضعیتی زندگی می‌کند؟ گاه با خود می‌گوییم بعضی از کوچه‌های ما مثل کوچه‌های کوفه است نه کسی کسی را می‌شناسد نه اگر بشناسد خودش را به زحمت می‌اندازد که احوالی از زندگانی دیگری و از وضعیت او بپرسد. به راستی چه خبر است مرگ در زندگیمان است در روحمان و این مرگ تدریجی است که ما را با خود می‌برد تا مرگ واقعی و آن زمان فهمیدن دیگر چه سود و حال از چشمان ملتمس عروسی نوبخت بی تفاوت می‌گذریم چشمانی که با دیدن تجملات عروسی دیگر دریایی از خون می‌شود و آه سرد از نهاد غمگینش برمی‌آید و نه رویی برای درخواست حوائجش دارد و نه ما سوآلی از سر صدق و صفا می‌کنیم که مایحتاج زندگی جدیدت چیست؟ و او به ناچار با اندک لوازم زندگی که به جبر و زحمت بسیار به دست آورده زندگی را شروع می‌کند و هر یک از این لوازم داستان رنج داستان مادر

و فقدان پدر و گریه نیمه شب عروسی است که قرار است زندگی از سر بگیرد به راستی چه کرده‌ایم و به حق اگر این دستهای ما گرهی باز نکند به چه درد می‌خورد اگر این بیان ما و گفتمان ما غمی را از دل بر ندارد خاموشی آن به ز باز بودنش و اگر قدم خیری بر نداریم و دلی از مؤمنان را شاد نکنیم و حاجتی برآورده نکنیم مرگ از این زندگی بی‌خیر و بی‌مروت بهتر است.

ساختمانهای آسمان خراشی که فقط برای سالی یک بار میهمان مخصوصمان ساخته شده و خانواده‌ای دیگر به خرابه‌ای قناعت می‌کند. خرابه‌ای که در زمستان سخت، نگاه از سقف خانه بر نمی‌دارد که وای اگر باران بیاردا! و خانه‌هایی که در آن اگر رونق نیست آنقدر صفا و صمیمیت است آنقدر ایمان است و نماز اول وقت و تلاوت قرآن که از هر روزنه خشت و گل آن خانه نور خدا هویدا است. اما چه کنیم که چشمانمان بصیرت‌بین نیست. کور مادرزاد است از دیدن چشمی که مرتب به دنبال آنهاست، ناتوان است دست‌هایمان در یاری دادنشان، بی‌گمان آنکه دست مهربانی همیشه و در همه حال بر سرشان سایه مهر و محبت و برکت است و آنها برکت درآمد اندکشان را خرج می‌کنند نه آنچه کارمزد می‌گیرد. آنقدر تفاوت زیاد شده که گاه اموال کل یک خانواده به میزان نیمی از تجملات آشپزخانه یک خانواده دیگر نیست آنقدر آه در چاه زندانی می‌شود و آنقدر سختی‌ها که مردم متحمل می‌شود و گاه باعث تمسخر سرمایه‌داران و خنده شب‌نشینی‌هایشان می‌گردد آنقدر ناله نیم شبان بلند است که اگر دیوارهای پست تبعیض را کنار زنیم به خوبی به گوش می‌رسد و آنقدر صدای الله اکبر نماز شبشان رسا و شیوا است که لرزه بر اندام پیکر به

خواب آلوده هر سرمایه‌دار غافل می‌اندازد آنقدر چشم‌هاشان به دنیا آبی است که از سرمایه دنیا جز سیاهی و آلودگی چیزی نمی‌بینند آنها با حسابی سبک و اندوخته‌ای اندک از مال دنیا اما کوله‌باری سنگین از محنت دنیا و ایمان راسخ با خود به همراه خواهند آورد در حالیکه در روز محشر سرمایه‌داران با کوله‌باری سنگین از خمس و زکات مالشان و دین و وظایفی که در قبال این داده‌های الهی دارند وارد محشر خواهند شد یا صاحب العصر و الزمان تنها این نام‌لایمات را به گونه‌ای می‌توان تحمل کرد که امید به ظهور تو ما را ساکت کند. زیرا که این همه محنت از نشانه‌های ظهور توست.

آنقدر چشم هم‌چشمی و حسادت فراوان شده که نمی‌دانند معرفت یک حج واقعی چیست معرفت یک زیارت ائمه و امامان معصوم چگونه به دست می‌آید بدون هیچ مطالعه و تحقیق و خودسازی نفس به اصطلاح خودشان زائر می‌شوند و حج و زیارت به جا می‌آورند و همین قدر برایشان کافی است و به همین قناعت دارند که شهرت یابند به رفتن این زیارتهای و انجام این اعمال، همین بس است و تجملات پذیرایی از آنها گاه بیشتر شادشان می‌کند که چه بسا از این طریق مردم به میزان مال و منالشان پی می‌برند و احترامشان در میان سرمایه‌داران بیشتر می‌شود و وقتی از زیارت برگشتند حرفی از چگونگی اعمال و انجام آنها و معرفت زیارت نیست که چه بسا محافلشان گرم است در مورد خرید و فروش آنجا و غذاها و امکانات رفاهی آن سفر و دیگر هیچ صحبتی نمی‌شود. یا گاه مجالسشان به جای صحبت‌های اخلاقی و انسانی مفید، ذکر و خیرشان صحبت‌های محرمانه زناشویی است و با این وجود دیگر گله دارند که چرا بچه‌ها مان از حیا و حجاب کافی

مئنظران طلوع

برخوردار نیستند. آلات لهو و لعب آنقدر زیاد است و همه جا استفاده می‌شود که از کودک شش ماهه تا انسان سالخورده از شنیدنش به وجد می‌آید و آن را مایه شادی و فراموشی غصه‌هاشان و گاه باعث آرامش اعصاب و رفع بیماری می‌دانند چه بسا فرهنگ و ادبشان را بالا می‌برد و یا کوچکترین پیوند در خانواده یا طایفه‌شان این پیوند به جای محرمیت بین عروس و داماد در میان کل اعضای آن خانواده‌ها یا طایفه می‌شود و به اصطلاح خودشان نگاه و رفتارمان خواهرانه و برادرانه است رقص و پایکوبی و لباسهای مبتذل و رفتارهای ناشایست، نظری جز خواهر و برادری نیست یا به گفته خودشان دلتان پاک باشد ما که نظری نداریم نمی‌دانم چه صیغه محرمیتی بین عروس و داماد خوانده شده که همه را به هم محرم کرده است؟

مهدیا در گوشه‌ای از این کره خاکی دل دختران باکره‌ای برای یک زندگی سالم و معنوی پرتپش است اما بعضی در آن طرف‌تر کینه‌ای پلید و اندیشه‌ای ناپاک آنها را از رسیدن به مقصد زندگیشان باز می‌دارد همسایه‌ای یا وابسته‌ای که خویش به هدفش نرسیده و به هر طریقی آنها را مقصر می‌داند و دختران همیشه عمر باید به پای این کینه‌توزیها و دوروئی‌ها این تهمت‌های بی‌جا و دروغهای بی‌شمار بمانند زیرا که جوان زندگیش را در برهوت دودلی و در نهایت انصراف از آن وصلت قرار می‌دهد و دیگر امیدی به زندگی زناشویی او نیست همچنان بخت بلندش کوتاه و تنها امیدش به ظهور است که حق زندگیش را بازستانی حق همسر بودن و مادر شدن که مثل یک آرزو دیرینه دست نیافتنی و یک زخم کهنه بی‌دوا باقی می‌ماند.

منظران طلوع

در گوشه‌ای دیگر همسری بعد از سالها زندگی زناشویی حس لطیف و گرانبهای مادرانه‌اش خاموش گردیده و دستانش در آرزوی کشیدن بر سر طفل کوچکش همچنان به آسمان بلند است. چشمانش را نوری نیست و در دل چراغی ندارد زیرا که تمام آرمانهایش که منتهی به یک نگاه کودکش می‌شود به خاکستر ناامیدی نشسته و امیدی به خویش ندارد که او نیز روزی مادر خواهد شد. از دور خوشبختی همسایه را می‌بیند و صدای گریه نیمه شب کودک همسایه او را از خواب آرزوهایش بیدار می‌کند اما کسی نیست فرزندی نیست تا دردهای دلش را با او تقسیم کند شادیهای کم شده‌اش را با او پیدا کند و غمهای خاکستریش را با او به مرداب فراموشی بسپارد اما امیدش ظهور توست که شما منتهای آرزوهای. در گوشه‌ای دیگر در کنج بیمارستان بیمارانی تنها نگاهشان به روزنه‌ی در است که کی گشوده خواهد شد و یار مظلومان عالم از سر صدق و شفا نگاهی به تن بیمارشان خواهد نمود و جسم آلوده به بیماریشان را درمان خواهد کرد و یا در گوشه‌ای دیگر جوانی از روی خانواده‌اش خجل و شرمنده به دنبال رزق حلال می‌گردد و شغلی مناسب او نیست و یا گاه دیده می‌شود نوجوانان ما هنوز هیچ سرد و گرم دنیا را نچشیده دست به خلافهایی می‌زنند و آنچنان راه معصیت را در پیش گرفته‌اند که راه برگشتنی برایشان نمی‌بینم.

به امید روزی که مردم جهان در سایه امید به ظهور مهدی عجل الله فرجه الشریف با ظلم و ستم رواج یافته مبارزه کنند و روح ایمان در وجودشان تقویت یابد و تعیین کنند که نیروی خارق العاده‌ای در گردش این عالم دست دارد نیرویی که از یک مرد آسمانی است که

ظهور خواهد کرد و حق آنها را خواهد ستاند و به حساب آن رسیدگی خواهد کرد از دیگر نشانه‌هایی که از علائم ظهور حتی الوقوع حضرت مهدی (عج) است دوم فریاد آسمانی و نشانه‌های آسمانی است که ابی‌بکر بن حماد از ابن عباس نقل کرده که گفت مهدی بیرون نیاید تا هنگامی که با خورشید نشانه‌ای پدیدار شود. گرفتن ماه و خورشید که امام باقر (ع) می‌فرماید: قبل از خروج مهدی خورشید در نیمه رمضان یا در آخر آنگاه می‌گیرد ظلم و ستم که مقداری توضیح داده شد هرج و مرج، قتل و مرگ و جنگ و طاعون و زلزله و شقاق و نفاق و حملات عرب و یأس و ناامیدی و سید خراسانی که از شرق با پرچمی خروج می‌کند و دوم کشته شدن مردی به نام نفس زکیه و خروج دجال که از وقایع حتمی، خروج دجال است دجال که همه چیز را بر خلاف آنچه که هست نمایش می‌دهد که به خط روشن خوانایی در میان حمل دو چشم او نوشته شده آیس من رحمة الله یعنی از رحمت خدا مأیوس است که پیامبر در مورد او می‌فرماید: «خداوند هر امتی را از فتنه دجال ترسانیده است و او را مهلت داده است تا زمان شما و این همان ملعون است و خروج خواهد نمود اول ادعای نبوت می‌کند بعد ادعای الوهیت می‌نماید و در سال قحط ظاهر خواهد شد و با او دو کوه باشد شبیه کوه نان و کوه آب صاف و از او تبعیت کنند جمعی از زناکاران، شکم پرستان، زنان یهودان، ساربانان، اعراب بادیه‌نشین و... او به همه جا خواهد رفت به غیر از مکه و مدینه او اعور و کور است.» و بر الاغی سوار است که از هر مویش ساز و آوازی به گوش می‌رسد و مردمی که همیشه با آلات موسیقی و ساز و آواز خشنود می‌شده‌اند دنباله‌رو او هستند که آن شباهتی کم با وسایل صوت و تصویر این

منظران طلوع

زمان نیز ندارد ماهواره‌ها و نوارها و وسایلی که با یک اشاره چندین موسیقی را پخش می‌کند که پیامبر در مورد نزول حضرت عیسی و به هلاکت رسیدن دجال فرموده‌اند:

فینا هو کذلک اذ هبط عیسی بن مریم بشرقی
دمشق. عند المنارة البيضاء. بین مهر و دتین واضعاً
یدیه علی اجنحة ملکین اذا طاطا رأسه قطر و اذا
رفعة تحدر منه جمامه کاللولؤ و لا یجد ریح احد
الأمات و ریح نفسه مدّ بصره، فیطلب الدجال
فیدر که بیاب لد فیقتله.

در چنین حالی عیسی بن مریم در شرق دمشق، در نزد مناره سفید، در میان دو ابر رنگی، در حالی که دو دست خود را روی بالهای دو فرشته نهاده، فرود می‌آید چون سرش را بلند کند قطرات عرق چون دانه‌های لؤلؤ از سر و صورتش می‌ریزد بوی نفس او به هر کس از کنار او برسد نابود می‌شود و بوی نفس او تا انتها مقدار دید او پیش می‌رود، دجال را دنبال می‌کند. در باب (لد) به او می‌رسد و او را به هلاکت می‌رساند در این رابطه نقل شده: فلاکت دجال توسط حضرت عیسی به خاطر ضربه‌ای است که به او می‌زند و سپس دجال ملعون به دست مبارک حضرت مهدی به قتل می‌رسد. همچنین سوم خروج سفیانی که علائم حتمی ظهور است او که مردی آبله‌رو و بدقیافه است شهرهای شام، فلسطین، اردن و قنسرین را تصرف می‌کند و ظلم و ستم روا داشته و او و لشکریانش به دست مهدی و یارانش متلاشی می‌گردند.

حضرت مهدی (عج) بعد از ظهور مردی از اصحاب خود را به مدینه حاکم کند و متوجه کوفه شود آنگاه نامه سفیانی به مدینه رسد که اگر حضرت را زنده بگذارید مردهای شما را کشته و زنان شما را زنده اسیر خواهیم کرد. پس عامل آن حضرت را می کشند. خبر به حضرت رسیده مراجعت می نماید و گروه بسیاری از مدینه خصوصاً از قریش می کشد پس حاکم دیگر تعیین فرموده برمی گردد به نجف اشرف و حضرت باقر (ع) می فرماید: گویا نظر می کنم به آن حضرت که به نجف اشرف و کوفه بالا می رود با سیصد و سیزده نفر که دل‌های ایشان مانند پاره آهن است و جبرئیل از راست آن حضرت و میکائیل از چپ و رعب از پیش او و پشت سر او یک ماه راه است و مدد فرماید او را خدا با پنج هزار ملک و چون به نجف برآیند به اصحاب خود فرماید که امشب عبادت کنید پس مشغول طاعت و عبادت باشند تا صبح روانه شوند و از راه نخيله به مسجد ابراهیم رسیده حضرت ۲ رکعت نماز بجا آورد و از کوفه که خندق محکم دارد بیرون آیند ایشان و غیر ایشان از لشکر سفیانی پس به اصحاب خود می فرماید که پس نشینید و پیش کشید که به حصار و خندق دستشان نرسد بعد از آن برگردید به سر ایشان. پس حضرت باقر (ع) فرماید که والله یکی را نخواهد گذاشت که از خندق گذشته به شهر خبر دهد. پس به کوفه هجوم آرند و سفیانی اول از در بیعت و تسلیم درآید و به حدیث حضرت صادق (ع) سفیانی از کوفه بیرون آمده و گوید: ابن عم من بیرون آید. پس از مکالمه با حضرت بیعت می کند و قوم او بنی کلب او را توبیخ نموده و به محاربه حضرت بازدارند پس به عزم کارزار روز چهارشنبه بیرون آیند. حضرت ایشان را نصیحت کند و حقیقت و مظلومیت خود را با ایشان بشناساند و گویند که از آن راه که آمده برگرد ای پسر فاطمه که ما را به تو

حاجتی نیست پس آن روز بی‌قتال متفرق شوند و روز جمعه به جنگ آیند و به تیری مسلمانی را از لشکر آن حضرت بکشند پس در آن وقت فرزند اسداللهی علم رسالت پناهی را باز کند. نازل شوند ملائکه جنگ بدر. پس آن حضرت و اصحاب حمله کرده لشکر سفیانی را چنان بکشند که همه فانی شوند و بقیة السیف کوفه را به خانه‌های کوفه داخل کنند و حضرت می‌کشند ایشان را تا بازارهای شهر که ایشان از اولاد آن حضرت که بعد از حضرت از آن شجاع‌تر و قوی‌تر نیست گویا همان حسین است که به حدیث حضرت صادق (ع) با دوازده نفر از طالقان به کوفه آید و به حضرت صاحب الزمان ملحق شده گوید: چرا این قدر می‌کشی آیا عهدی از رسول خدا داری؟

آنگاه یکی از موالیان آن حضرت با او گوید که ساکت می‌شوی یا گردنت را بزنم پس حضرت عهدنامه از رسول خدا به او بنماید پس او تجدید بیعت کند و حضرت امیر لشکر سفیانی را اسیر شده به دست خود در زیر درخت حیره که طرف شام است ذبح کند و کافری در کوفه نگذارد و هر سنگ و درختی که دشمن به او پناه برده نشان دهد و سباع و طیور و وحوش از گوشت کفار سیر شوند.

سفیانی نام پدرش عنسبه و مادرش از خاندان کلب است او خود را صاحب حق می‌داند و مانند اجدادش (ابوسفیان، معاویه، یزید) روزی برای احقاق حق قیام می‌نماید که قیامش از نشانه‌های حتمی ظهور است.

لو رأیت السّقیانی رأیت الخبیثَ الناس، اشقر احمر

ارزق یقول: ثاری ثمّ النار و لقد بلغ من خُبثه انه

یدفن امّ ولد له میة مخافة ان تدلّ علیه.

اگر سفیانی را بینی او را پلیدترین مردمان می‌یابی که چهره‌ای گلگون چشمانی کبود و موهایی زرد دارد و بانگ می‌زند خدایا! اول انتقام و وانگهی آتش. او به قدری خبیث است که همسر و مادر و بچه‌هایش را زنده به گور می‌کند تا مخفیگاهش را به کسی نگویند.^۱

رسالت اصلی و جهانی حضرت مهدی (عج) برچیدن هر گونه ظلم و ستم و اجرای یک حکومت جهانی بر اساس عدل و داد است ظهور منجی عالم بشریت جهشی به افکار می‌دهد و باعث پیشرفت علم و صنایع می‌گردد همه پیروان مذاهب را زیر پرچم نظام توحیدی گرد می‌آورد ثروتهای جهان را عادلانه تقسیم می‌کند به گونه‌ای که یک نیازمند در دنیا پیدا نخواهد شد تمام ویرانه‌ها را آباد و جهان را از امنیت و عدل و داد پر می‌کند. یا صاحب العصر و الزمان، تو روح سبز دعایی، تو مکه‌ای، تو منایی، دیدن تو دیدن پرنورترین شب ماه است در ظلمت و تاریکی، شنیدن ندای شما شنیدن صدای آبشار است در قحطی و بیابان برهوت، شنیدن صدای تو در عمق روحمان طنین صدای پیغمبر (ص) است، و عطر بهشت، و دیدن روی ماه تو ما را به خورشید آسمان بی‌نیاز می‌کند که امام صادق (ع) می‌فرماید:

ان قائمنا اذا قام اشرفت الارض بنور ربها و

استغنی العباد من ضوء الشمس

هنگامی که قائم ما قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و بندگان خدا از نور آفتاب بی‌نیاز می‌شوند.

تو با افکاری باز، سینه‌ای گشوده، همتی والا و بینشی وسیع با ذوالفقار قیام خواهی نمود بدون هیچ سلاح مدرنی که امروزه در اختیار پیشرفته‌ترین قدرتهای امروزی قرار دارد که سلاح مدرن بی‌گناه و گناهکار را یکجا قتل عام می‌کند و تو دشمنان خدا را با شمشیری که بر دوشت نهاده خواهی کشت.

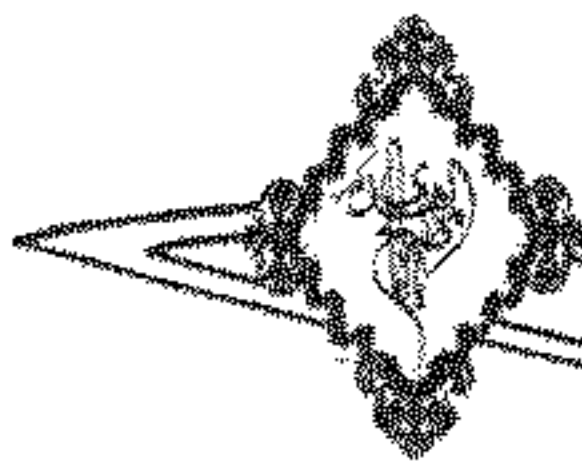
ان رسول الله سار في امته باللين و المن و كان يتألف
الناس و القائم يسير بالقتل و لا يستيب احداً بذكر امر
في الكتاب الذي معه و بل لمن ناواه

رسول اکرم(ص) در میان امتش به نرمی و ملاحظت و با محبت و مودت در میان آنان الفت کند. ولی قائم (با زورمداران) با منطق شمشیر سخن می‌گوید و از آنان توبه مطالبه نمی‌کند (آن حضرت) در کتابی که نزد اوست به چنین شیوه‌ای مأمور است بدا به حال کسی که با او سر ستیز داشته باشد.^۱

و یاران و نزدیکانت به سوی تو خواهند شتافت آنگاه که بانگ برآوری در میان رکن و مقام که ای فرماندهان من ای نزدیکان من، ای کسانی که خداوند پیش از ظهورم شما را برای یاریم در روی زمین ذخیره کرده است به سوی من بشتابید و به فرمانم گردن نهید. صدای آن حضرت در شرق و غرب جهان به گوش یارانش می‌رسد و آنان که در محرابهای خود و یا بر فراز رختخواب‌های خود هستند در یک لحظه بانگ امام را می‌شنوند و به سوی او می‌شتابند.^۲

۱ _ غیبت نعمانی ص ۱۲۱.

۲ _ بشارة الاسلام ص ۱۷۸.



منظران طلوع

يجى و الله ثلاث مائة و بضعة عشر رجلاً فهم
خمسون امرأة يجتمعون بمكة على غير ميعاد
قزعاً كقزع الخريف يتبع بعضهم بعضاً...
يباعونه بين الركن و المقام.

به خدا قسم ۳۱۳ نفر که در میان آنان پنجاه زن می باشد همانند
ابره‌ای پائیزی بدون قرار قبلی در مکه معظمه جمع می شوند و با او در
میان رکن و مقام بیعت می کنند.^۱

که به تعداد یاران پیامبر در جنگ بدر که ۳۱۳ نفر بودند حضرت
ولی عصر نیز همان مقدار انصاری خواهد داشت.

آری یا صاحب العصر و الزمان عدالتخواهان، ستم دیدگان جهان و
جهانیان و یاران و همراهانت در انتظار طلوع خورشید رویت هستند تا
آن روزی که با یگانه پرچم دار حق و عدالت بیعت کنند و ندای
جانفزایت در اکناف جهان طنین اندازد و وعده خداوند بزرگ تحقق
پذیرد و دین مقدس اسلام بر بندگان صالح خدا سایه افکند و
بی عدالتی و فقر به پایان رسد همچنین فرشتگان بی شماری نیز منتظر
ظهورت هستند که در مورد آنها اینچنین نقل شده است.

الذین كانوا مع نوحه في السفينة و الذین
كانوا مع ابراهيم حين التي في النار. و الذین
كانوا مع موسى حين فلق البحر لبني اسرائيل
و الذین كانوا مع عيسى حين رفعه الله اليه، و
اربعه الاف ملك هبطوا يريدون القتال مع

منتظران طلوع

الحسین (ع) فلم یوذن لهم فی القتال... کل
هولاء فی الارض ینتظرون قیام القائم علیه
السلام الی وقت خروجه.

همه فرشتگانی که با نوح در کشتی بودند، همه فرشتگانی که به هنگام افتادن حضرت ابراهیم در میان آتش با او بودند، همه فرشتگانی که به هنگام شکافتن رود نیل برای فرعونیان با حضرت موسی بودند، همه فرشتگانی که به هنگام خروج حضرت عیسی با او بودند، چهار هزار فرشته مسومین که در خدمت رسول اکرم (ص) بودند، هزار فرشته مردفین که در محضر پیامبر بودند. ۳۱۳ فرشته‌ای که در بدر حضور داشتند، چهار هزار فرشته‌ای که برای یاری امام حسین (ع) در روز عاشورا فرود آمدند و به آنان اجازه پیکار داده نشد... همه آنان در زمین انتظار قیام قائم را می‌کشند تا وقتی خروج کند.^۱

یا امام غریب اگرچه شاید من نیز یکی از کسانی هستم که مقبول درگاه تو نیست اما انتظار تو را کشیدن و صدایت کردن و به تو توسل و تمسک جستن کم لذت بخش نیست و این احساس گرم به من زیستن و امید دوباره می‌بخشد و اگر در زمان ظهورت مبدل به خاکستری پست بودم مطمئنم که نسیم فرجت هستیم را از خاکستر وجودم شعله‌ور می‌سازد.

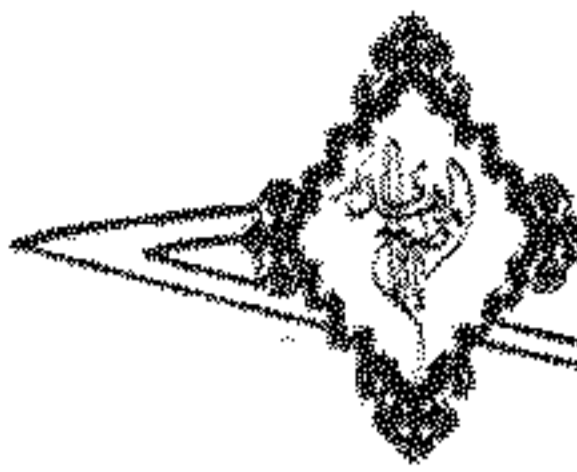
اما نمی‌دانم ما و این زمان ما سعادت ظهور مهدی را دارد یا نه نمی‌دانم این چهره به غبار نشسته در ره انتظار او لیاقت نگاه مبارک منجی عالم بشریت را دارد یا نه و یا اصلاً عمر ما به ظهور او قد خواهد کشید یا خیر. چون آفتابگردانی رو به سوی خورشید رویت در

گردشم که کی صبح روشن وصالت فرا خواهد رسید آیس الصبح بقریب چه زمانی ابرهای غیبت کنار خواهد رفت و آفتاب چهره‌ات نمایان خواهد شد و جهان تاریک از وجودت روشن خواهد گشت. انتظارت انسان را متعهد و مسئول می‌سازد و یأس و ضعف و ناامیدی را از میان برمی‌دارد گام انسان را به سوی مقاصد اسلامی محکم‌تر می‌سازد که هر روز که بگذرد به ظهورت نزدیکتر می‌شویم!

انتظارت حقیقتی است روشن که در جشن نیمه شعبان و تبلیغات و سخنرانیها و مجالس دعا و بزم شبانگاهی ما باید به وضوح مشاهده گردد. بزمی که با شب‌زنده‌داری و دعای فرجت در دل شب روشن می‌شود و نور انتظار دلها را تجلی داده و بر نشاط روح می‌افزاید و باعث تقویت اعمال نیکمان می‌گردد و انتظار فرجت شمع فروزان امید را از تندباد حوادث حفظ می‌کند باید منتظران مهدی برای ظهورش دعا کنیم و برای سلامتیش صدقه دهیم و تا ممکن شود به زیارت خانه خدا برویم که امام زمان به طواف خانه خدا می‌رود صحرای منا و عرفات پر از قدمهای پربرکت اوست در میان سنگریزه‌ها مهر نماز او پنهان است و در میان چادرها سجاده‌اش به چشم دل پیداست قد رعنا و خال رُخش انسان را آنقدر از خود بیخود می‌کند که نمی‌فهمی و نمی‌شناسی از کنارت رد می‌شود! صفا و مروه از اشکهایش که در غم امت محمد می‌ریزد همیشه سیراب است و زمزم از صفای او می‌جوشد ان شاء الله که فیض زیارتش نصیبمان گردد. و خانه خدا همچنان پرتپش منتظر ظهور است یا صاحب العصر و الزمان بپذیر این صدای شکسته را که چون پروانه‌ای بال سوخته در گرد شمع وجودت به پرواز درآمده بپذیر این اندوخته ناچیز را که از طرف ذره‌ای کوچک اما عشقی بزرگ به اندازه اقیانوس محبت و سخاوتت می‌باشد.

عشق و امید به ظهور مهدی (عج)

مهدیا! تنها طنین دلنواز نام شما است که بر روح خسته‌مان آشیانه می‌گیرد و تنها نام شما به بطن خاطراتمان جلوهای سبز و نورانی می‌بخشد که شما منبع رویش و نگرش به دنیای نور و سبزی هستی. ای کاش می‌توانستیم علفزارهای پریشان ذهنمان را با سبزه‌های عشق تو هرس کنیم و در پرتو نور جاودگانگیت عشق به احدیت و اصل دین و آیین محمدی (ص) را بهره‌مند گردانیم. اما افسوس که آن قدر معصیت‌هایمان فراوان است که گمان برم از این که ما را از امت جدّ خویش بدانی بیزاری و آن قدر پرونده اعمال بدمان سنگین است که هر بار می‌خوانی چهره معصومت را خشم و نفرت به ما فرا می‌گیرد، اما عشق شما چون گنجی در دل ویرانه‌مان نهفته است که با یاد تو از همه کس و با همه تعلقاتمان بیگانه می‌شویم. تنها و بی‌امید و بدون هیچ احساس وابستگی در انتظار جلوه جانانه‌ات به حسرت می‌نشینیم و در شعله‌های سرکش عشقت چون پروانه‌ای بال



منظران طلوع

سوخته و پروازی پر از اشتیاق دل را به آتش می‌زنیم و در خیال خوش باور خویش از ظلمت بی‌کران چشم‌های ستاره می‌چینیم.

که اگر موج یاد و نام شما در دریای ذهنمان تلاطم نخورد افکارمان را با تلافی می‌شود و شما بال پرستوی ذهنمان هستی که بی‌یاد و نام شما پر و بالی برای پروازمان باقی نمی‌ماند. نام شما نوازش می‌دهد تمام خطوط حوائجمان را. وقتی صدایت می‌کنم گلستانی از گل‌های محمدی به لب‌هایمان شکوفا می‌شود و نسیم معطرش حنجره‌مان را می‌بوسد. وقتی صدایت می‌کنیم تمام آرزوهای زندانی دلمان آزاد می‌شود. تنم پيله تنهایی خویش را می‌شکافد و افکارم تمام تار عنکبوت‌های ناامیدی و بدیومی را برهم می‌درد و سبکبال، آن قدر که حس لطیف قرابت و نزدیکی به ما دست می‌دهد، و به سوی تو صدایمان را روانه می‌کنیم و در بیابان برهوت انتظار، از ته دل فریاد برمی‌آورم یا مهدی ادرکنی.

صدای ما چون به پاره ابر سیاهی در آسمان صاف و پاک شما می‌ماند. چون صدای نهیبی که به دل کوه می‌خورد و بلندتر و وهم‌ناک‌تر برمی‌گردد، صدای ما به شاخه خشکیده‌ی کوچکی در دریای بی‌کران پاکی‌ها و صداقت‌ها می‌ماند که گاه به ساحل می‌آید و گاه همراه موج خروشان به دل دریا برمی‌گردد.

نمی‌دانم گویا صدای ما سوار بر اسب تیزپایی است که بر روی ریگزارهای دلهره و پریشانی گام می‌گستراند و نمی‌دانیم به منبع و مقصد خویش می‌رسد یا خیر.

مهدیا (عج)! شما که زبان زنده تمام دنیا را می‌دانی و خطوط تمام کتیبه‌ها را می‌خوانی و از عمق احساس و باورمان مطلعی. شما که

منظران طلوع

نامها را فراموش نمی کنی؟ مرگها را می دانم و بزم تولدها را می شناسی. بردهها را فراموش نمی کنی و پنجه خون آلود سلطه گران را می بینی. تازیانهها را می شماری و محبتها را نظاره گری. شما که می بینی بی رنگی چهرهها از رنگ لبخند را و جمله های حقی که در بطن هر حرف، لال می شود و نور حیاتی که از چشمان خورشید زندگی مان رخت برمی بندد.

شما که اندوه را می شناسی. انبوه بی عدالتی را در نبض زمانه می شماری. شما که بهاران بی شکوفه و امیدهای بی رویش، برج های غرور، چشم های مست، جرعه های شراب دورنگی، دست های نامرد، فریادهای محبوس، جان های پاک اسیر جنگ گرگ، شادی های کوچک سرقت شده و وهم سبز درختان از پاییز سرد زمانه را می بینی. پس پذیرا باش این فریادهای یا مهدی ادرکنی را مهديا!

موت و حیات و قیامت در لحظه لحظه های زندگی مان موج می خورد. جانمان جویای کرانه های است تا بنشیند و نگاه از معبد خویش بر ندارد. پس تبسم بزن بر رضایت ظهور که راز بقای عشق است که به پیشگاه عدل خواهیم رفت و شما در اهرام متجلی می شوی و ما در حریر نور آفتابیت آیه های آغازین سبز زیستن را نظاره می کنیم.

مهديا! ای اختر دین و عقبی، بازمانده آدم، ذخیره نوح، برگزیده ابراهیم، ای از تبار محمد(ص)، چه زمان تمام حجتها بر شیعیان آشکار خواهد شد. حجت آدم، حجت نوح، حجت ابراهیم، حجت محمد(ص) و حجت تمام پیامبران و حجت کتاب خدا که شما از همه به آنها نزدیک تری.

ای احیا کننده و مجری سنت رسول خدا(ص)، در هرزه مسیر بی سرانجام زندگی سپری می کنیم و اصل دین و ولایت اهل بیت

عصمت و طهارت را از ظهورت خواستاریم که این آرزوی ماست که ما را به جهت و سویی رهنمون سازی که پیامبر خدا شما را به آن سوی و جهت فرا خواند تا آثار دین و حدود قرآن و شریعت محمدی و طریقت حیدری احیا نگردد.

به راستی چه زمان پرده‌های غیبت به کنار خواهد رفت و فیض حضور آشکار خواهد شد و شیعیان عدالت و امامت و معاد را به یک باره به تماشا خواهند نشست و آخرین سفیر از سفیران الهی مقام سرگردانی و بیچارگی را از شیعیان جهان خواهد ربود و بهاری جاودانه با هزاران تخم امید و نوید رهایی و آزادگی به ارمغان خواهد آورد و با شور جوانه خواهد زد آن شمشیر برنده خدا، منتقم خون مظلومان.

سرچشمه فیض ازلی، فاتح بزرگ گیتی، ابلیس صفتان را از ریشه بر خواهد کند که در روایت آمده است:

«وقت معلوم روز قیام قائم آل محمد(ص) است، هرگاه خداوند حضرت مهدی(عج) را برانگیزد، ابلیس به مسجد کوفه می‌آید در حالی که بر زانوهایش راه می‌رود و با خود می‌گوید: ای وای از این روزگارا! آنگاه از پیشاپیش گرفته شده گردنش زده می‌شود، آن هنگام روز وقت معلوم است که مدت او به پایان می‌رسد.»^۱

و امام محمد باقر(ع) در این مورد فرموده‌اند: «إذا قام القائم ذهب

دولة الباطل» هنگامی که قائم قیام کند، دولت باطل نابود می‌شود.^۲

۱ _ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۶.

۲ _ منتخب الاثر، ص ۴۷۱.

عدالت

مهدیا! عدالت تنها واژه‌ی رهایی انسان از بند نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها است. عدالت سرلوحه عشق مولامان علی (ع) است که عشق به قادر متعال و فرمانبرداری از سخن حق تعالی را در دو کف ترازوی عدل خویش قرار داده است و جهان بدون عدل و داد جهانی بی‌اصل و پر هرج و مرج خواهد بود. عدالت باران رحمت الهی است که در تمام فصل‌ها، روزها، ثانیه‌ها منتظر نزولش هستیم.

بارانی که به قصد بحث رهایی نازل می‌شود و پنجره‌ها را به سوی صبح روشن می‌گشاید و مزده آزادی و عدالت انسانی را بر افق دیدگان کشورمان می‌بخشد. به امید آن روزیم که ندای عدل انسانی از نای منجی عالم بشریت برآید و ما را در سایه‌سار عدل خویش قرار دهد.

مهدیا! تشنگی فرج نفس‌هامان را به سویت می‌دواند و همچنان تشنه ندایت هستیم. تشنه صدایی که در همه فصل‌ها، روزها و ثانیه‌ها منتظر باریدنش هستیم. ندایی که به قصد بحث رهایی و عدل و آزادی خواهد آمد. مهدیا ظهورت پنجره‌های مهر و بوم غم فراق را خواهد گشود و افق دیدگانت مزده شادی و عدالت انسانی را به کشورمان خواهد بخشید و دیوارهای سرد و بلند تبعیض فرو خواهد

ریخت و از ندای مژده رسان صبح آن روز به کنار پنجره خواهیم رفت. و آفتاب دیده‌هایت شادی را خواهد شکفت در روز روشنمان. و ما با گیاه امید دوباره خواهیم رست و با پرنده خواهیم خواند و با رود جاری خواهیم شد در شط عشق، و از حصار تنگ زمان، همان که ما را در حصار بودن، ناچار به زندگی می‌کند خواهیم گذشت آن روز هزار خنجر قهر و انتقام از هزار گوشه زمین به خاک خواهد کشاند و به ورطه خونین مرگ خواهد سپرد اندیشه‌های پلید بر روح‌های پاک را. همان اندیشه‌هایی که عملی شد و پاک‌ترین انسانها را از ما گرفت. نگاه آبی دریایی‌ات کلاف ناگشاده و کور زمانه را خواهد گشود و دارو و مرهم تمام دردهای لاعلاج خواهد شد.

مهدیا پیمانۀ اشکمان از حس انتظار تهی نشده و صحرای دلمان از وسوسه باد شبانگاهی فراق هنوز در امان نمانده است. ای کاش می‌شد لحظه‌ای به نرمی گلبرگ گل نرگس و به ملایمت مهتاب ورق دل را بگشایی و صحرای فراق را از وسوسه باد شبانگاهی هجران و گردبادهای سخت ناامیدی نجات دهی که در آن جز خار و خاشاکی پست و بی‌ارزش نمی‌روید.

رخ ملایم چو ماهت را به پهنه برهوت زندگی مان بتابان و دیباچه دل را به افق دیده‌هایت روشن کن. شما که بر همه چیز بینایی، همه را می‌بینی و تمام شکست‌ها را می‌شناسی، عشق‌ها را که در پس پرده است، می‌بینی و زمزمه مرگ عزیزان را از یاد نمی‌بری شما که صدایی که دور می‌شود، از زمان می‌دانی و صدایی که نزدیک می‌گردد می‌آوری. سیراب‌ترین ستاره اشک را که از فراق فرو می‌ریزد، می‌بینی و عریان‌ترین سروده دل را برای فراق می‌خوانی. جرقه سکوت شبانه فراق را حس می‌کنی و آنگاه بین فراق و وصال پل می‌زنی.

خوشا به سعادتشان که شکوفه دیدار بهاری در پاییزشان می‌آوری و غنچه امید به شاخسار اندوهشان جوانه می‌زند و بر بام مرتفع‌ترین برج‌های غرور پرچم سعادت دیدار یار را به اهتزاز درمی‌آورند و گلستانی از گل نرگس به چشم‌هایشان گشوده می‌شود و نمی‌دانم در گوش حقیقت شناسان چه می‌گویی که بی‌شک سرلوحه زندگی‌شان و مدال سعادت و نیک‌بختیشان می‌گردد.

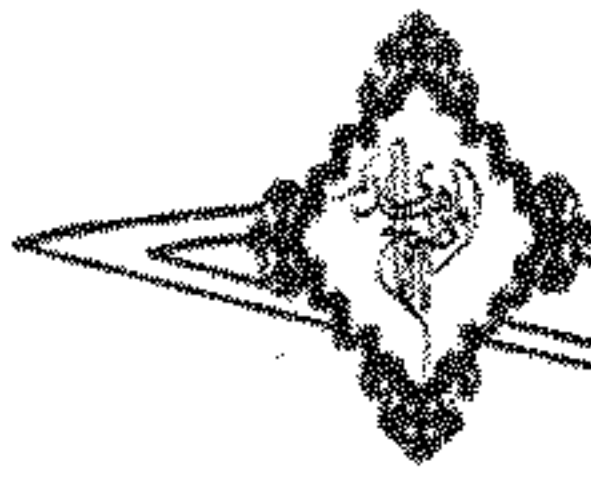
خوشا به سعادتشان که وجودشان از رنگ خوش سبز تکامل می‌پذیرد و نبض‌شان بر نفس عشق تنظیم می‌گردد.

به راستی بدون تو زیستن مرگ است. بدون شما نفس کشیدن، عین خفگی است در سیاه‌چال معصیت. بدون شما گذران زندگی ممکن نیست. زمان به جلو نمی‌رود زیرا که خورشیدی نیست که مدار زمان از گردشش تأثیر پذیرد بدون شما نمی‌توانم حتی لحظه‌ای رها شوم زیرا که به سرزمین‌های پست ناامیدی گم می‌شوم بدون شما تنهایی‌ام وسعت می‌پذیرد و ترسی وحشتناک و سرد حجم تنهایی‌ام را پر می‌کند. بدون شما آسمان بر سرم ویران می‌شود و در باتلاق گرفتاری‌ها فرو می‌روم که بی‌شک تمام نظم جهان و نزول تمام نعمت‌های روحی و معنوی و مادی همه به واسطه امامان به عالم می‌رسد. که در زیارت جامع کبیره به خطاب به ائمه چنین می‌خوانیم:

«بکم ينزل الغيث و بکم يمسك السماء ان

تقع على الارض الا باذنه و بکم ينفس الهم و

يكشف الضر بكم اخرجنا الله من الذل و



منتظران طلوع

فرج عنا غمرات الكروب و انقذنا من شفا

جرف الهلكات و من النار»

خدا فقط به سبب شما باران نازل می‌کند. به سبب شما است که خداوند آسمان را نگاه می‌دارد که روی زمین نیفتد (نظم موجود بین آنها حفظ شود) به واسطه شماست که خدا ناراحتی‌ها را رفع می‌کند و گرفتاری‌ها را تنها به وسیله شما از بین می‌برد. خدا فقط به سبب شما ما را از خواری و پستی بیرون آورده و گرفتاری‌هایی را که در آن فرو رفته‌ایم، برطرف نموده است و (خدا فقط به واسطه شما) ما را از سقوط در وادی هلاکت و آتش (عذاب خویش) نجات داده است.^۱

و امام صادق(ع) به یکی از شیعیان خود فرمودند:

«یا داود لو لا اسمی و روحی ما اطردت الانهار و لا اینعت اثمار

و لا اخضرت الاشجار» ای داود! اگر نامه من نبود، رودها پیوسته

(جاری) نبودند و میوه‌ها به ثمر نمی‌نشستند و درختان سبز نمی‌شدند.

از حضرت صادق(ع) دستور است که این دعا را در دوران غیبت بخوانند:

یا الله، یا رحمن، یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک

یا الله یا رحمن یا رحیم؛ ای گرداننده دل‌ها، دلم را بر دینت استوار

نگه دار. یا مهدی! دلمان بسان پرندگانی که به سوی آشیانه پر

می‌کشند مشتاقانه به سوی تو پر می‌زند و نگاهمان از جاده‌های

آسمانی دور نمی‌شود و کوچه‌های انتظار را چون تونل‌های حیرت

گشته‌ای می‌ماند که جان خفته و غفلت زده‌مان در آن مرگ تدریجی می‌پذیرد روحمان افسرده و آرزوهایمان مرده است و تنها لحظه موعود آفتاب پیروزی، شهسوار قافله ایمان، شاهکار جاودانه خلقت، گل نرگس وجودت دوران غیبت را به پایان می‌رساند و اگر همه جا این سخن است که با یک گل بهار نمی‌شود، اینجا صدق ندارد زیرا که گل نرگس جهانی را گلستان می‌کند.

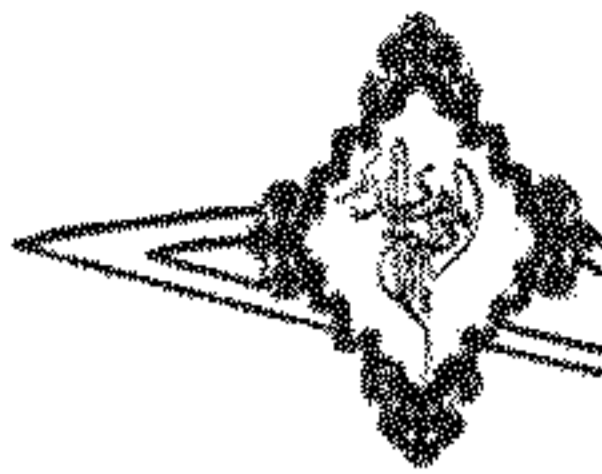
غیبت حکمتی است تقدیری است از جانب خداوند تا ستمگران کوچک و بزرگ فرصتی برایشان پیدا نشود تا خدش‌های به وجود نازنین یگانه حجت عالم وارد کنند و از طرفی کثرت گناه و نداشتن شناخت کافی و اطلاعات مفید و لازم در مورد منجی عالم بشریت و نبودن اصل لیاقت و شایستگی و توبه مسبب تأخیر در ظهور می‌شود و باری خداوند در مدت غیبت همگان را مورد آزمایش قرار می‌دهد.

در این رابطه در قرآن می‌خوانیم (سوره عنکبوت، آیه ۳)
«و لقد فتنا الذین من قبلهم فلیعلمن الذین صدقوا و

لیعلمن الکاذبین»

به تحقیق پیشینیان را آزمایش کردیم. آنان را نیز می‌آزماییم تا در این رهگذر راستگویان از دروغ‌گویان مجزا و مشخص گردند.
«ولیعثن الله رجلا من ولدی یطالب بدمائنا و

لیغیبن عنهم تمییزا لاهل الضلاله»



منظران طلوع

البته خداوند مردی را از نسل من برمی‌انگیزد که خون ما را مطالبه کند و انتقام ما را بگیرد او از دیده‌ها پنهان خواهد شد تا گمراهان شناخته شوند.^۱

در این رابطه مروی است: حضرت ولی عصر در نامه‌ای به سفیرش محمد بن عثمان این چنین می‌نویسد:

«و اما علة ما وقع من الغيبة فان الله عز و جل

يقول «يا ايها الذين آمنوا تسئلوا عن اشياء ان

تبدلكم تسوكم» انه لم يكن احد من آبائي الا

وقعت في عنقه بيعه لطاغية زمانه و اني اخرج و

لابيعه لاحد الطواغيت في عنقي و اما وجه

الانتفاع بي في غيبي فكالانتفاع بالشمس اذا

غيبها عن الابصار السحاب و اني لامن لاهل

الارض كفا ان النجوم امان لاهل السماء فاغلقوا

باب السؤال عما لا يعنیکم و لا تتكلفوا ما كفيتم

و اكثروا من الدعا بتعجيل الفرج فان في ذلك

فرجكم و السلام على من اتبع الهدى»

«اما در مورد علت غیبت خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «ای کسانی

که ایمان آوردید، هرگز نپرسید از مسائلی که اگر فاش شود، شما را

اندوهگین سازد» هر یک از پدران من تبعیتی از طاغوت‌های زمان به گردن

داشتند ولی زمانی ظهور خواهیم نمود که بیعت احدی از طاغوت‌ها به گردنم نباشد. اما کیفیت انتفاع مردم از وجود من در زمان غیبت همانند انتفاع آنان از خورشید است هنگامی که ابرهای تیره آن را بپوشاند من امان برای اهل زمین هستم، همان طور که ستارگان امان برای اهل آسمان است در مورد مسایلی که به شما سودی نخواهد داشت، پرسش نکنید و در مورد آنچه برای شما بیان شده، خود را به زحمت نیندازید و در رابطه با تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که فرج شما نیز به آن بسته است و سلام بر کسی که از هدایت پیروی کند.^۱

در امر غیبت نقل است که یمان تمار گوید: خدمت امام صادق (ع) نشسته بودیم به ما فرمود: همانا صاحب الامر را غیبتی است هر که در آن زمان دینش را نگه دارد، مانند کسی است که درخت خار قتاد^۲ را با دست بتراشد. سپس فرمود: این چنین و با اشاره دست مجسم فرمود کدام یک از شما می‌تواند خار آن درخت را به دستش نگه دارد. سپس لختی سر به زیر انداخت و باز فرمود: همانا صاحب الامر را غیبتی است هر بنده‌ای باید از خدا پروا کند و به دین خود بچسبد.^۳

مهدیا! مصایب و مشکلات همچون تازیانه پیکر همگان را می‌نوازد تا تشنه عدالت شوند و به دنبال منادی عدل گام بردارند. زیرا که انسان تا طعم تلخ بی‌عدالتی را نچشیده باشد، طعم دلنشین و

۱ _ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۹۲ ح ۷.

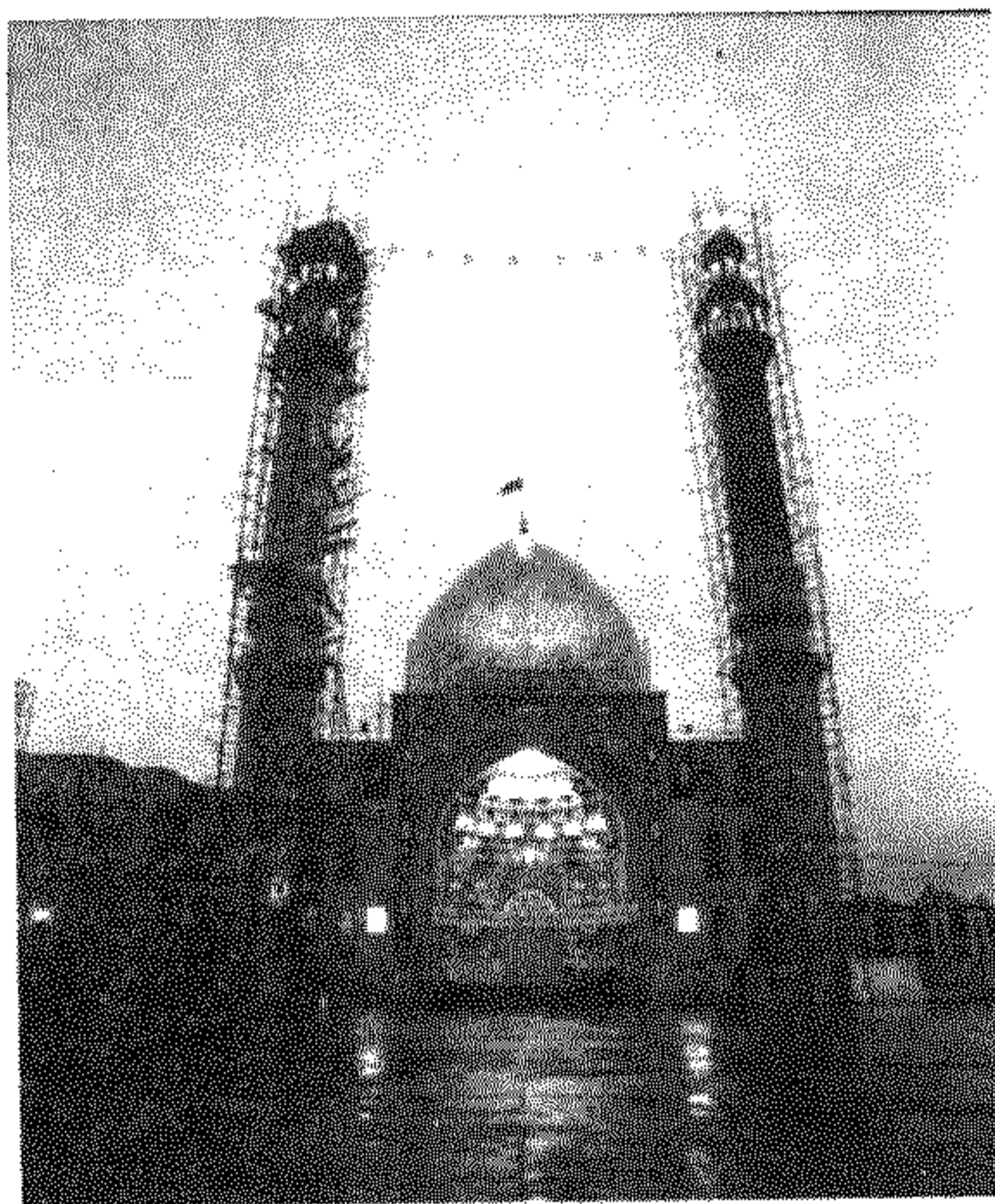
۲ _ قتاد درختی است که خار بسیار دارد و خارهایش مثل سوزن است و تراشیدن خارش به این طریق است که یک دست را بالای شاخه محکم گرفته با دست دیگر تا پایین بکشند و این جمله در عرب، مثلی است برای انجام کارهای دشوار و سخت.

۳ _ اصول کافی، ص ۱۳۲، ج ۲.

منتظران طالع

جانفزای عدالت را تشخیص نمی‌دهد. در این دوران تاریک و طوفان زده عده‌ای از مردم نجات می‌یابند که همواره به یاد بهار انسان‌ها، مالک امر هستی، دارنده و اختیاردار دوران ما ولی خدا در این زمان باشند و برای فرج یوسف و یار غریبان کهکشان شیری فطرت دعا کنند که خداوند مهربان چه نیکو و زیبا گفته است:

منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم^۱



انتظار

ای نوید امن و امان انتظارت یعنی ایمان به ظهورت انتظارت جزئی از عشق به آگاهی، عشق به زیبایی و عشق به تمام نیکی‌ها است که بدون ظهور این عشق‌ها به ناکامی و شکست می‌رسد. ای منزلگه انس و الفت، ای مرتبط دهنده با خداوند بزرگ، ای نسیم رحمت و برکت بر دل آزرده ما انتظار ظهورت آخرین نقطه اوج علاقه هر شیعه و مخلص می‌باشد.

مهد یا نهال شوق دیدار تو در خاک انتظارت نشانده‌ایم و در تدبیر درمان درد فراق درمانده‌ایم. مهدیا انتظارت چون تپیدن قلب یک عاشق و صدای عقربه‌های زمانه که به جلو می‌رود در زندگی‌هامان طنین فاصله را کم می‌کند از عصرمان کاسته می‌شود و تنها نوید ظهورت امید به زندگی را در ما تقویت می‌کند که خزان زندگی‌مان را مقدم سبز تو بهاران خواهد کرد. و تنها لحظه رسیدن به شهسوار قافله ایمان از وسعت درد و رنجمان می‌کاهد.

قال رسول الله (ص): افضل العبادة انتظار الفرج

منتظران طلوع

برترین عبادت انتظار فرج است.^۱

قال السجاد(ع): انتظار الفرّج من اعظم الفرّج

انتظار فرج خود از بزرگترین گشایش‌ها است.^۲

قال الصادق(ع): من سره ان یكون من اصحاب

القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق،

و هو منتظر فان مات و قام القائم بعده کان له من

الاجر مثل اجر من ادرکه فجدوا و انتظروا هیئنا

لکم ایتهای العصابه المرحومه.

هر که دوست دارد از یاران قائم باشد، باید انتظار کشد و از گناه بپرهیزد و بد اخلاقی نیکو باشد در حالی که منتظر است پس اگر چنین کسی پیش از قیام قائم درگذرد، او را پاداشی باشد مثل پاداش کسی که قائم را درک کرده باشد پس کوشش کنید و انتظار، که گوارایان باد ای گروه مورد رحمت.^۳

انتظارت بیدار کننده در برابر آزمایشات الهی و هشدار دهنده در برابر معصیت‌ها است. انتظارت مسئولیت ما را در قبال آفرینش ظهورت بیشتر می‌کند. انتظارت ترک هر گونه فساد و همکاری با آنها را هشدار می‌دهد انتظارت حس مبارزه و جنگ با ظلم ستم را در ما تقویت می‌کند و در ما خودسازی و خودیاری در شکل گرفتن یک حکومت عدل الهی را مؤثر می‌شود انتظارت

۱ _ کمال الدین، ۲۸۷/۱.

۲ _ الاحتجاج ۱۵۴/۲، کمال الدین ۳۲۰/۱.

۳ _ غیبه النعمانی ص ۲۰۰.

منتظران طلوع

جهادی است اکبر که انسان را از معصیت دور و به قرب الهی نزدیک می کند
انتظارت بالاترین عبادت و اعمال نزد خداست.

انتظارت یعنی چنگ زدن به ریسمان الهی یعنی جبل المتین، عروة الوثقی

یعنی پیمودن راه ثقلین یعنی در میقات ظهور به میعاد نور رفتن.

انتظارت یعنی منتظر دگرگونی جهان و قیام جهان بودن و این در ما

خود دگرگونی و قیام به وجود می آورد یعنی خود را ساختن و برای

پیدایش یک جهانی دیگر پر از معنویت و صداقت و صفا، آمادگی

داشتن، انتظارت جاء الحق و زهق الباطل را برایمان معنا می کند و ما را

به لحظه موعود آن سوق می دهد.

انتظارت گردن نهادن به فرمان های خداوند لایزال که وظیفه یک

شیعه واقعی است را در لحظه لحظه زندگی مان یادآور می شود. یا

مهدی! بر ظهور تعجیل فرما که در روز موعود با قطره قطره خونی که

در رگهایمان جاری است راه حجت خدا را خواهیم شست و با اشک

چشمانمان گلاب عطراگین عشق را بر جاده سرسبز ایشار و رشادت

خواهیم پاشید.

ای صبح امید فردا کی خواهد آمد؟

فردا که سکوت خسته و غبار گرفته پنجره شکسته شود و صدای

خش خش گشود خش نه صدای دلخراش بلکه نوید و امید را ساز کند

و تارهای ناامیدی از کنج پنجره ها هنگام گشودنش پاره گردد فردا کی

می آید؟ فردا کی می آید؟ ای کاش می شد به فردا نزدیک تر شویم. ای

کاش به راستی تا فردا چند ساعتی باقی نمانده بود.

به راستی باید آن قدر ریشه در آب چشمانمان و نگاه به خورشید

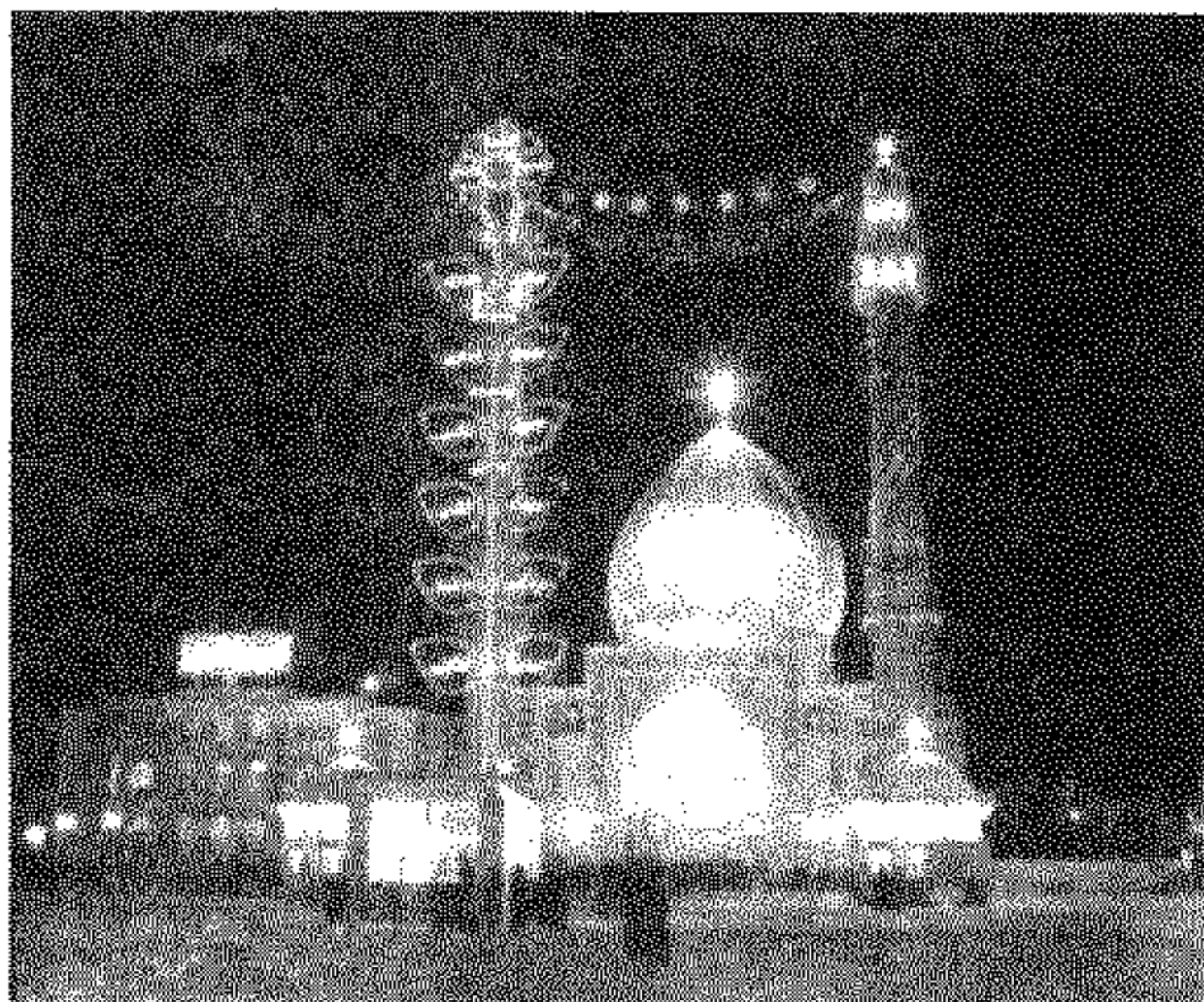
فردا بایستیم تا تمام تنمان جوانه زند شاخه های بلند نیلوفری مان بالا

منظران طلوع

بیایند تا به دستان سبز آسمانش گره بخورند. آن وقت دیگر دستان
ننگین خواهشمان سبک می‌شود و دلمان سنگین از عشق، جسممان
را خاک می‌کند و با روحی سبک به استقبال یوسف زهرا خواهیم رفت.
یا مهدی (عج) بدون تو سالها است که مرده‌ام و تنها نام و یاد تو مرا زنده می‌کند
بدون تو در این دریای طوفانی دنیا ساحلی نمی‌جویم، بدون تو
عمرم چون شبهی وحشتناک می‌گذرد نه ره‌توشه‌ای نه لبخند روحی نه
شادی و شغف و نوای دلی و تنها چیزی که با خود حمل می‌کنم،
شکایت‌های دنیایی است دنیا از من و من از دنیا، که چرا مرا به خود
تعلق داد. چرا من با او انیس شدم. ابرهای دنیا روی سطح زندگی‌ام
سپری می‌شود و تنها صدای تلنگر باران است که بر شیشه دلم مرا به
خود می‌آورد. انگشت تفکر لای کتاب حافظ جا مانده بود که با بوی
گل نرگس به خود آمدم کتاب را باز کردم.

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور



اشتیاق مهدی

ای کاش می توانستیم چون پرنده‌ای سبکبال به سوی درخت
حرمت پر بگشاییم بر گنبد و مناره‌هایت آشیانه گیریم و از فیض
رحمت دانه برچینیم که امام حسن عسکری (ع) به فرزندش اباصالح
المهدی (عج) فرمود:

«و اعلم ان قلوب اهل الطاعة و الاخلاص نزع اليک مثل الطیر الی
اوکارها». بدان که دل‌های مردمان طاعت‌پیشه و بااخلاص، بسان پرندگان که
به سوی آشیانه پر می‌کشند، مشتاقانه به سوی تو پر می‌زند.

مهدیا تنم درون پیله تنهایی‌ام دگر نمی‌گنجد و در دلم دلهره
ویرانی است. وزش ظلمت از همه سو می‌وزد. بیم آن دارم که آسمان
ز آه شیعیان و درماندگان فرو ریزد و زمین از انبوه بی‌عدالتی بازماند از
چرخش. ای سؤال هر لحظه و ای جواب گم شده هر سؤال. کی و
کجا وعده دیدار است؟

ای سبز سبز از دیار ملایک، ای شهسوار قافله ایمان، ای خورشید
پنهان نه تنها شیعیان علی که ذوالفقار علی اندر نیام دگر تاب ندارد. ای
خورشید بی‌غروب ای آفتاب و ای صبح صادق ای فروغ الهی انوار

تابناک را بر عرصه دلها مان بتابان و دل شب را بشکاف که اشتیاق ظهور تو جهان و جهانیان را بی تاب کرده است. گل نرگس، خروش عدل و گلبانگ رهایی در انتظار است و موقع انتقام ستمگران و درهم کوبیدن قله‌های دشمنان آنها که سالها و قرن‌ها است پشت حصاری پست نامردی، ذهن و قلب شیعیان را نشانه رفته‌اند. موقع خون‌خواهی خون همه بندگان صالح خدا و تساوی ثروت بین همه مردم و موقع گسترش امنیت و تحقق بخشیدن به حیات طیبه حیاتی سرزنده و سعادت‌مند حیاتی که همه برگزیدگان الهی آن را وعده داده‌اند از آدم تا خاتم و در همه کتب الهی درباره ظهور و حیات طیبه‌اش سخن گفته‌اند.

در زبور از او چنین یاد شده است:^۱

او قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پریان غرش نمایند. صحرا و هر چه در آن است، به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند زیرا که می‌آید برای داوری جهان می‌آید ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد.

و در تورات چنین آمده است:

مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد... گرگ با بره سکونت خواهد کرد. پلنگ با بزغاله خواهد خوابید... و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فساد نخواهند کرد زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.

و در انجیل (انجیل لوقا، فصل ۱۲ جمله‌های ۳۵ و ۳۶) بدین گونه آمده است: «همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد... آنگاه علامت پسر انسان پدید گردد و در آن قوت جمیع طوایف سینه‌زنی کنند و پسر انسان را ببینند

که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می آیند... اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد. حتی ملائکه آسمان... لهذا شما نیز حاضر باشید زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید.»

و در قرآن مجید بدینسان (سوره قصص آیه ۵)

۱- و نريد ان نمّ على الذين استضعفوا في

الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين.

و ما اراده کردیم به آنان که در روی زمین به ضعف کشیده شده اند، منت نهاده آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دادیم.

۲- بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين

بازمانده خدا برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید.

حدیث از حضرت صادق (ع) در مورد ظهور آن حضرت که هر که تعیین وقت نماید، خود را در علم غیب با خدا شریک کرده، راوی پرسید که این چگونه معلوم می شود که آن حضرت است؟

امام صادق (ع) فرمود: ظاهر و آشکار خواهد شد امر او به نحوی که حجت تمام شود بر عالم، و بر وفق اخبار متفرقه و بر طبق آثار معتبره آن جناب ولایت مآب بعد از الهام الهی به امر خروج در سال طاق از هجرت روز جمعه نوزدهم عجم دهم محرم داخل مکه معظمه شود. تنها به صورت جوانی ۴۰ ساله یا کمتر، عمامه زردی بر سر لباس رسول الله (ص) بر تن و نعلین آن حضرت در پای و عصای آن جناب درید و بزی چند در پیش انداخته کسی او را شناسد به نزد کعبه آید و تنها داخل خانه شود پس شب چون همه دیده ها به خواب رود، نازل شوند از جانب حق تعالی بر آن حضرت جبرئیل و میکائیل و صف صف از ملائکه پس جبرئیل به آن حضرت عرض کند که این آقای

منظران طالع

من قول تو مقبول و فرمان تو جاری است. آنگاه دست مبارک بر روی خود کشید و فرماید:

الحمد لله الذي صدقنا وعده و اورثنا الارض

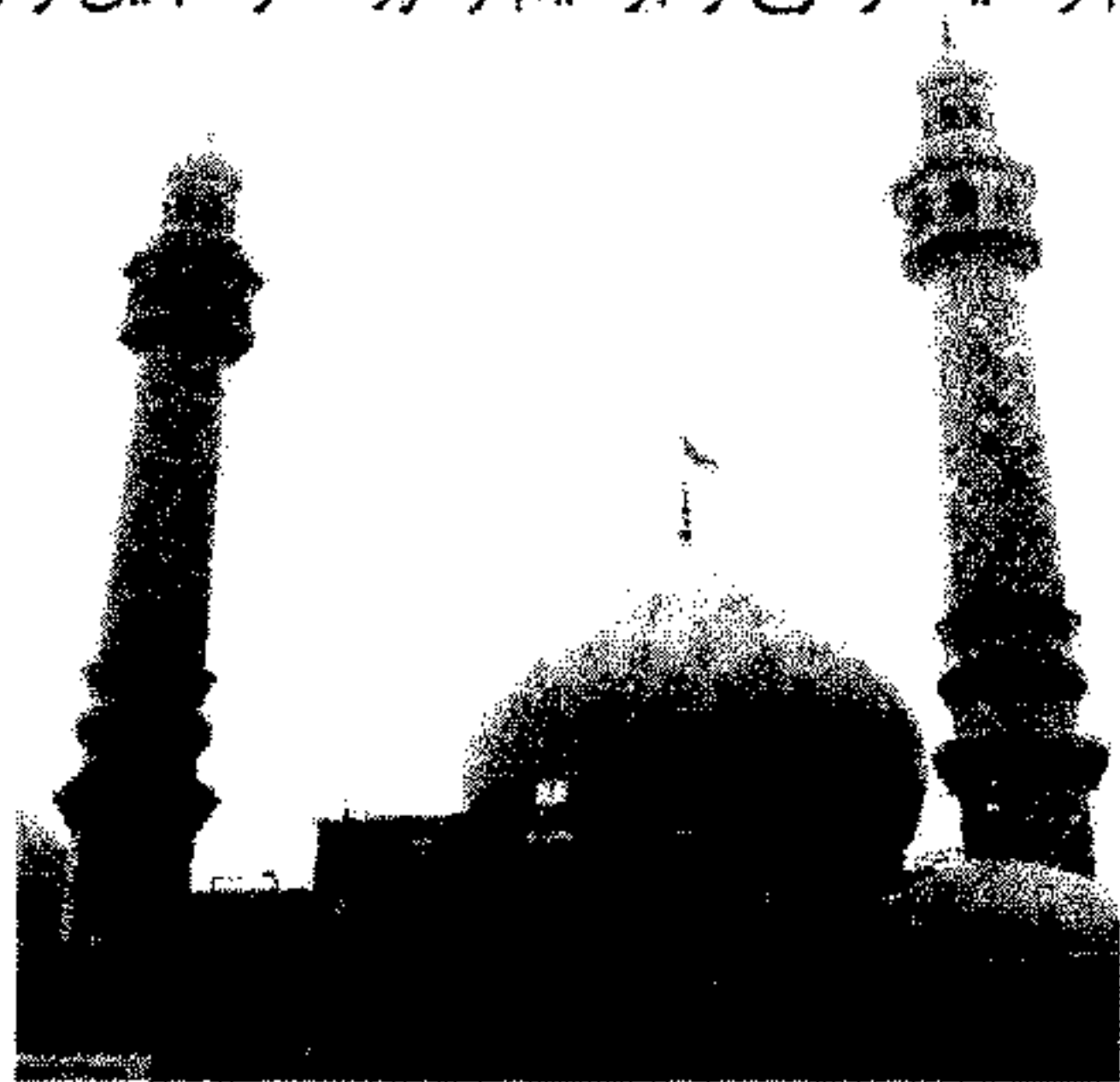
فتبوء من الجنة حيث نشاء فنعم اجر العالمين.

آنگاه میان رکن و مقام ایستاده و ندا کند، نقباء خود را بطلبید پس سیصد و سیزده نفر مؤمن از محراب نماز و فراش خود خوابیده باشند از همه بلاد متفرقه به غیر بصره جمع آیند و بعضی شب از رختخواب خود ناپدید شوند و بعضی علانیه سوار بر ابر شده و صبح به طی الارض در برابر آن حضرت ایستاده باشند و مأول به این است کلام الیه اینما تکنونوا آیات بکم الله جمیعا ان الله علی کل شیء قدیر و حضرت سیصد و سیزده شمشیر که از آسمان به نام هر یک و پدرش آمده به ایشان قسمت کند و عمودی از نور تا آسمان ممدود شود که هر جا مؤمنی باشد، به آن نور فرج یابد و چون صبح شود، پشت به کعبه ید بیضا بلند نماید و فرماید: این است دست خدا از جانب خدا به امر خدا پس این آیه را بخواند «ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله» پس اول کسی که دست مقدس آن جناب را ببوسد و به سعادت بیعت مشرف گردد، جبرئیل باشد و بعد از آن ملائکه و نجباء حق و نقباء و آنگاه اهل مکه فریاد بردارند که ایشان کیستند و دیشب چه علامتی بود که مثل آن ندیده بودیم چون نظر کنند به غیر از چهار نفر از مدینه کسی را نشناسند و چون آفتاب بلند شود، از نزد قرص خورشید، منادی ندا کند به زبان فصیح که به همه اهل آسمانها و زمینها برسد که این گروه خلائق، این است مهدی آل محمد(ص) و به نام و نسب و کنیت جدش و نسب او را ذکر کنند تا علی بن ابی طالب(ع)

منظران طلوع

بیعت کنید و اطاعت او نمایید تا هدایت یابید و مخالفت او مکنید که گمراه شوید.

پس صاحب گوشی در عالم نماند مگر آن که این صدا را بشنود و شیعیان رو می کنند و هجوم می آورند از شهرها و صحراها و دریاها از هم خبر آن ندا را می گیرند و نزد غروب، شیعیان ندا می کنند از مغرب که ای خلائق پروردگار شما سفیانی در وادی فلسطین ظاهر شده بروید و متابعت او کنید. پس هر صاحب شکر و منافقی به ندای آخر گمراه شود و حضرت قائم همچنان پشت به کعبه ایستاده و می فرماید که ای خلائق آگاه باشید هر که خواهد نظر کند به آدم و شیث و نوح و ابراهیم و اسماعیل و موسی و یوشع و عیسی و شمعون و نظر نماید به سوی محمد و علی و حسن و حسین و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین پس به من نظر کنید که علامات و کمالات همگی با من است و سؤال کنید از من تا خبر دهم به آنچه آنها خبر داده اند و هر که کتب آسمانی و صحف انبیاء را خواهد از من بشنود. آنگاه شروع نماید به صحف آدم و شیث و نوح و ابراهیم و تورات و انجیل و زبور و فرقان.^۱



رجعت

آری آن تحقق بخش وعده الهی خواهد آمد و تمام قلعه‌های دشمنان اسلام را ویران خواهد کرد. آری آن معز الاولیاء عزت‌بخش دوستان و مذلّ الاعداء خوار کننده دشمنان رسالت ناتمام همه انبیاء و اولیا را به اتمام خواهد رساند. آن مظهر غیب از پشت ابرهای انتظار بیرون خواهد آمد و برای همیشه طلوع خواهد کرد. آری آن خورشید بی‌غروب که از اولین امام تا یازدهمین ظهورش را نوید داده‌اند، روح‌های افسرده را جان تازه خواهد بخشید و آرمان‌های مرده را زنده خواهد کرد. او خواهد آمد و همراه او رسول خدا و امامان و پیامبران نیز رجعت خواهند کرد و در تمام دنیا دین رسول الله (ص) را برپا خواهند داشت و بر همه دنیا غالب خواهند شد که حضرت امام حسین (ع) دو خطبه که به حدیث حضرت باقر (ع) که پیش از شهادت بر اصحاب خود خواند، می‌فرماید:^۱

اول کسی که زمین را می‌شکافد و بیرون خواهد آمد من باشم و موافق باشد بیرون آمدن من با حضرت امیرالمؤمنین و ظهور قائم اهل

۱ _ مجمع المعارف و مخزن العوارف، ص ۵۷ از کتاب حلیة المتقین.

بیت و نازل شوند بر من جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشگری چند از ملائکه و ائمه، پس رسول خدا(ص) علم و شمشیر خود را به قائم دهد، پس ما بعد از آن، آن قدر در زمین بمانیم که خدا خواهد. پس امیرالمؤمنین به من دهد شمشیر رسول خدا را و بفرستد مرا به مشرق و مغرب تا جمیع دشمنان خدا را بکشم و بتها را بسوزانم و کل هند را فتح کنیم و حضرت یوشع و دانیال زنده شوند و به خدمت امیرالمؤمنین(ع) آیند و گویند راست گفت خدا و رسول خدا(ص) و آنچه شما را وعده داده بودند و حضرت ایشان را با لشگری به بصره فرستد که دشمنان را بکشد و شیعه نماند مگر آن که ملکی را فرستد که به دست، غبار از روی او پاک کند و زنان و منزلش را به او بنمایند و از برکت ما ابتلا و تنگی در زمین نماند و به روایتی دیگر امام حسین(ع) آن قدر پادشاهی کند که موهای ابرویش به چشم مبارکش افتد و چون معرفت حضرت امام حسین(ع) در دلها مستقر گردد، حضرت قائم(عج) رحلت فرماید و حضرت امام حسین(ع) او را غسل و کفن نماید و به روایتی آن حضرت بعد از صاحب الامر سیصد و نه سال پادشاهی کند بعد از آن نوبت سلطنت امیرالمؤمنین(ع) گردد و حضرت امیرالمؤمنین(ع) ۴۰ هزار سال پادشاهی کند. و در بعضی احادیث معراج مذکور است که وحی شد که علی(ع) آخرین کسی است که قبض روح او خواهم کرد از امان و او است دابة الارض که با مردم سخن خواهد گفت.

و ابن عباس روایت کرده که عمر دنیا صد هزار سال مردم است و هشتاد هزار سال ملک اهل بیت محمد است. و به روایتی چون قائم خروج کند از پشت کوفه بیست و هفت نفر از مردگان زنده شده

دعای فرج

یا صاحب العصر و الزمان وقتی گذر زمانه را به تلخی و ناکامی می بینم وقتی حس لطیف محبت و گذشت، ایمان و عدالت، وفا و صمیمیت همه در خط پرگار دنیا و تعلقاتش گم می شود و یا از طرفی دیگر وقتی ایمان در سر مرز دنیا و آخرت بی گذرنامه مرزها را می شکند و به آسمان می رسد آنقدر اوج می گیرد که جز استخوانی دیگر نشانی در این دنیا ندارد.

فریاد می زنم اللهم عجل لولیک الفرج

وقتی اشکهای خفته بیدار می شود، بغضها می شکند و زمزمه ها در پس حجاب عزای سالار شهیدان درد و رنج زمانه را با اسرای شام قسمت می کند وقتی در عمق نگاهمان صمیمیت و خلوص مؤمنانه نیست وقتی پرده دیده هامان جز زرق و برق دنیوی عمیق تر نمی شود وقتی دلها یکی نمی شود، کینه ها چون زخم لاعلاج انسانها را از درون می خورد و حتی تا پای مرگ از گناه و اشتباه برادر و خواهرمان نمی گذریم باز فریاد می زنم

اللهم عجل لولیک الفرج

منظران طلوع

وقتی زندگی گاه با آرزو گاه با اعتراض گاه با اعتراف و گاه با تجلی یک عشق دیرپای تلاطم می‌پذیرد و به دنبال هدف متعالی هدف والا و عشق حقیقی نیست به راستی چرا زنده ماندن و چرا زندگی و چرا زیستن و چرا این همه دستیابی به عظمت و جلال را از دست دادن و این همه خسارت و زیان از اتلاف وقت گراتبها را متحمل شدن آن وقت قسم خداوند متعال به عصر یا دروان ظهورت را یادآور می‌شویم که

بسم الله الرحمن الرحيم * والعصر * ان

الانسان لفي خسر * الا الذين آمنوا و عملوا

الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر

قسم به عصر (نورانی رسول یا دوران ظهور ولی عصر) که انسان همه در خسارت و زیان است مگر آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری در دین یکدیگر را سفارش کردند.

وقتی نگاهمان می‌بیند آنچه را که از حد انتظار خارج است و توقعمان یک تصویر ذهنی بیشتر نمی‌شود وقتی دستمان از بی‌مهری می‌لرزد و تپش قلبمان از شنیدن سخن سرد و سخت، از حد خارج می‌شود وقتی دلمان به رنگ غروب جمعه می‌شود، وقتی آنقدر عرصه زندگی برایمان تنگ می‌شود که به مرگ لبخند می‌زنیم. وقتی آنقدر کوچک می‌شوم حقیر می‌شوم که خود به چشم خودم نمی‌آیم از عمق دل فریاد می‌زنم اللهم عجل لوليک الفرج

که شما حد انتظاری، که شما بزرگترین توقع انسانی، که شما معنای زیستن، زنده ماندن و زندگی هستی.

مهدیا وقتی زندگی برای گذرانش به ما سخت می‌گیرد و عصر برای گذشتنش عشوه می‌کند، وقتی سکوت دل نمی‌شکند و حرفهایش زندانی می‌شود وقتی نگاهم به بن‌بست ناامیدی یخ می‌زند وقتی تمام حواسم چون آفتابگردانی رو به سوی خورشید دلت جاودانگیت را آرزو می‌کند باز می‌گویم اللهم عجل لولیک الفرج

وقتی صبرم یک ثانیه به مرگش باقی مانده است، وقتی دیده نمی‌شوم مگر به انوار متبرک شما، وقتی نهایت اجابت نیازم است. وقتی از خواب غفلت بیدار می‌شوم غفلتی که عین خسارت است و زیان، باز با این جمله خود را تسکین می‌دهم و حاجتم را برآورده می‌کنم که اللهم عجل لولیک الفرج وقتی غنچه‌های بهاری دل شکوفا می‌شود و قاصدکهای حوائجهم در فضای زندگی می‌رقصد وقتی دل در دریای شادیه‌ها غرق می‌شود، ناگهان غنچه دلم به یاد غیبت نشکفته پرپر می‌شود قاصدک می‌میرد و دریای دل خون می‌شود وقتی صورتهای انسان و سیرتها شیاطین است وقتی بی‌عفتی و بی‌حیایی، دورویی و غیبت، سخن‌چینی و تهمت، فتنه و اضطراب ذره ذره خودنمایی می‌کند وقتی بی‌بندوباری علامت و نشانه‌ی روشنفکری و تمدن به شمار می‌آید. می‌خواهم این بار فریاد زخم بیاید گناه نکنیم با آن چشمی که می‌خواهیم با آن سرورمان را ببینیم با آن گوشی که می‌خواهیم صدای ملکوتیش را بشنویم و با آن زبانی که می‌خواهیم به او عرض سلام و ارادت داشته باشیم همان امامی که می‌فرماید:

هر کجا تک درختی دیدید بدانید من زیر آن درخت نماز حاجت می‌خوانم و ظهورم را از خدا طلب می‌کنم.^۱

و دیگر بار می‌فرماید: فقط من نیستم که خون گریه می‌کنم بلکه جدم حسین بن علی و مادرم زهرا نیز خون گریه می‌کنند و من می‌گریم، می‌نالم برای آن عده از امتم که در غفلت به سر می‌برند، زیرا بیم آن دارم بیایم و ببینم این جاهلان مسلمان نما هنوز توبه نکرده باشند من که سعی دارم امت خود را تا آخرین لحظه هدایت کنم، چون می‌خواهم امت جدم همگی از نجات‌یافتگان باشند و من تا آخرین ساعات غیبت، آنان را هدایت خواهم کرد و در عصر ظهور برای ایشان خیر و خوبی را به ارمغان خواهم آورد، زیرا من می‌آیم برای صلح و دوستی نه برای ستیز و دشمنی و من خواهم آمد نزد کسانی که پاک و مظلومند خواهم آمد نزد شیعیان چشم انتظار، خواهم آمد نزد پدران و مادران پیر در خانه سالمندان، خواهم آمد نزد بیماران، معلولان و جانبازان، خواهم آمد، زیرا آنان در انتظار من هستند و می‌دانند بالاخره می‌رسد روزی که بیایم...

یا صاحب العصر و الزمان هیچ چیز جز یاد و ذکر تو امید به زندگی و زنده ماندن را برایمان معنا نمی‌دهد و جز توکل بر طلوع غیبت چیز دیگری یأس و ناامیدیمان را درمان نمی‌شود که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

خوشا به حال کسانی که در زمان پر آشوب بر صراط مستقیم ثابت قدم و در طول زمان دچار شک و تردید نشوند، زیرا «قائم» قیام

نمی‌کند مگر پس از ترس شدید، اضطرابها، نگرانیها، فتنه‌ها و بلاهایی که بر مردم وارد می‌شود و آنان از خدای سبحان هر صبح و شام مرگ خویش را درخواست می‌کنند، پس از یک چنین یاس و ناامیدی او ظاهر می‌شود. به راستی خوشا به حال کسی که او را درک کند و به یاری او برخیزد و وای به حال کسی که با او مخالفت کند و فرمان او را نپذیرد و با او به دشمنی پردازد.

بپذیر این دانستنی‌هایم را که هر چه هست از نادانیم است. بپذیر که دستان نیایشم این بار کشیده‌تر از هر بار به آسمان بلند می‌باشد که بدانی هیچ ندارم و هر چه دارم ذره اخلاصی است که از انتظار ظهور تو به دست آورده‌ام. عشق و شوری است که با شعور عجین ساخته تقدیمت می‌کنم.

بپذیر این قدم کوتاه مرا در راه بلند پرفضیلت که همسفری جز اشک انتظار و غمهای سنگین فراق نداشته‌ام و امیدی جز قبولی در درگاه پربرکت برایم نبوده است قدم نهادم در این راه که تو راهروم باشی و پرتو نور یزدانیت مرا فانوس ره باشد و چشمانم را روشنی و قوت دلم گردد و نیروی دستانم که اگر دست خالی آمدم به درگاه کریمان دست تهی رفتن عیب نیست ولی از بارگاه آنان آلوده و دست خالی بیرون شدن عیب است الحمد لله و تشکر از توجهات شما که خود را خاکسار قدم شما نمودم و در این راه مرا توفیق دادی که دانستنی‌های اندکم را به آستان ملکوتیت عرضه دارم پس تو را به حق پهلوی شکسته مادرت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) سوگند می‌دهم که بپذیر و بر من منت گذار که منت شما بر ما تاج کرامت است.

مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر

ما همچنان در اول وصف تو مانده‌ایم

منظران طلوع

برای حسن ختام این کتاب ذکر صلوات بر آن حضرت (ع) را می آوریم که به طوری زیبا، خلاصه و تکان دهنده ظهور و اعمال آن حضرت در ظهورش را توضیح داده است.

اللهم صلّ على محمد و اهل بيته و صلّ على ولي
الحسن و وصيه و وارثه القائم بامرک و الغائب في
خلقک و المنتظر لاذنک. اللهم صلّ عليه و قرب بعده
و انجز وعده و اوف عهده و اکشف عن باسه حجاب
الغيبه و اظهر بظهوره صحائف المحنة و قدم امامه
الرعب و ثبت به القلب و اقم به الحرب و ایده بجند من
الملائكة مسومين و سلطه على اعداء دينک اجمعين و
الهمه ان لا يدع منهم رکناً الا هده و لا هاماً الا قده و لا
کيداً الا رده و لا فاسقاً الا حده و لا فرعون الا اهلكه و
لا ستر الا اهتکه و لا علماً الا نکسه و لا سلطاناً الا
کسبه و لا رمحاً الا قصفه و لا مطرداً الا خرّقه و لا
جنداً الا فرقها و لا منبراً الا احرقه و لا سيفاً الا کسره و
لا صنماً الا رضه و لا دماً الا اراقه و لا جوراً الا اباده و
لا حصناً الا هدمه و لا باباً الا ردمه و لا قصرّاً الا خربه
و لا مسکناً الا فتشه و لا سهلاً الا اوّطئه و لا جبلاً الا
صعده و لا کنزاً الا اخرجه برحمتک يا ارحم الراحمين

خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش و درود فرست بر نماینده
 امام حسن و وصی او و وارثش آنکه قیام کند به دستورات و آن پنهان
 در خلق تو، و چشم به راه اذن تو. خدایا درود فرست بر او و نزدیک
 کن درویش را و انجام ده وعده‌اش را، و وفا کن به عهد و پیمان‌ش و
 برطرف کن از نیرویش پرده غیبت را و پشت سر انداز با ظهور آن
 حضرت اوراق محنت و اندوه را و بفرست در پیش رویش رعب و ترس
 را و آرامش ده به او دل را و برپا کن به دستش جنگ را و کمکش کن
 به لشکری از فرشتگان نشان‌دار و مسلطش کن بر دشمنان دینت
 همگی و به او الهام کن که پایه‌ای از آنها نگذارد جز آنکه فرو ریزد و
 نه سری از آنها جز آنکه دو نیم کند و نه نقشه شومی جز آنکه بازش
 گرداند و نه فاسق بدکاری جز آنکه حدش زند و نه فرعون گردنکش
 جز آنکه هلاکش کند و نه پرده‌ای جز آنکه بدرد و نه پرچمی جز آنکه
 سرنگونش سازد و نه سلطنت و قدرتی جز آنکه به تصرف گیرد و نه
 نیزه‌ای جز آنکه درهم شکند و نه زور بینی جز آنکه بشکند و نه
 لشکری جز آنکه پراکنده سازد و نه منبری جز آنکه بسوزاند و نه
 شمشیری جز آنکه بشکند و نه بتی جز آنکه خرد کند و نه خونی جز
 آنکه بریزد و نه ستم و بیدادگری جز آنکه از میان بردارد و نه قلعی جز
 آنکه ویران کند و نه دری جز آنکه ببندد و نه کاخی جز آنکه ویران
 کند و نه مسکنی جز آنکه بازرسی کند و نه زمین همواری که زیر پا
 نگذارد و نه کوهی جز آنکه بالا رود و نه گنجی جز آنکه بیرون آورد
 بر حقیقت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

